



## دولت جمهوری اسلامی افغانستان

# پالیسی ملی اجتماعی

### عمومیات

دوره تحول افغانستان در دهه اخیر شاهد دست آوردهای عدالت اجتماعی برای تمام اتباع این کشور بوده است. اقدامات و تدابیری که به منظور کاهش سطح فقر در ابعاد مختلف روی دست گرفته شده، مشکلات ناشی از فقر را از بین می برد و تمرکز اصلی برنامه فقر زدایی که از سوی چندین نهاد دولتی به پیش برده می شود روی حمایت اقشار مختلف آسیب پذیر تمرکز نموده و این برنامه از سوی ادارت دولتی تحت کتگوری برنامه و پالیسی های مشخص به پیش برده میشود. شیوه ها و روش هایی که فعلاً جهت فقر زدایی روی دست است متناسب با اصول و معیار های ملی نبوده، تساوی و برابری حقوق در آن مراعات نشده و از نگاه مالی قابل مدیریت نمی باشد. روش های متذکره در ایجاد یک پالیسی پایدار یا مدیریت اطلاعات جامع، ناکام بوده و شدیداً پلان گزارای ملی را خدشه دار می سازد. همچنان روش های فعلی، مانع تحقق ایجاد یک سیستم پایدار خدمات و تأمینات اجتماعی می شود. بناءً این پالیسی ملی اجتماعی، چارچوب جامع از مسایل اجتماعی و کتگوری های افراد دارای معلولیت اجتماعی را ارائه می کند و این پالیسی، تضمین کننده زندگی بهتر برای تمام شهروندان می باشد و به شکل پایدار وضعیت زندگی شهروندان را بهبود می بخشد. همچنان یک نهاد واحد جهت نظارت از تطبیق و مطابقت این پالیسی با اصول و ارزش های ملی ایجاد می گردد. افزون بر این، ظرفیت ها را جهت ایجاد سیستم خدمات عصری تأمینات اجتماعی در آینده ایجاد می کند و همچنان ارتباطات عامه را به منظور اقدامات ملی و نتایج آن تقویت می بخشد. فلذا این پالیسی ملی اجتماعی دارای ضمایم بوده که هربخش از این پالیسی را مفصلاً شرح می دهد و همچنان مجریان این پالیسی را در حصه تطبیق دقیق و معیاری آن کمک و یاری رسانیده و مُمد واقع می گردد.

- مسیر و جهت های پایدار؛
- رویکرد و نگرش عادلانه؛
- اصول منسجم و معقول.

«هرکس به عنوان عضو اجتماع، حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به وسیله مساعی ملی و همکاری بین المللی؛ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه مقام و رشد آزادانه شخصیت اوست، با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور به دست آورد».

ماده بیست و دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در دسمبر سال ۱۹۴۸ میلادی رسماً به تصویب رسید و از جمله ۴۸ کشور جهان که در پای این اعلامیه امضا نموده و موافقت خویش را اعلام داشته اند. این اعلامیه اولین معاهده بین المللی سازمان ملل متحد به شمار می آید که توسط نمایندگان و پیروان تمامی ادیان، با فرهنگ ها و جغرافیای مختلف تهیه، ترتیب و به امضا رسید و منعکس کننده اراده و امیال تمامی ادیان، اقشار و جغرافیای جهان است. افغانستان نیز به عنوان یک کشور مستقل با منظوری و تایید اعلامیه جهانی حقوق بشر، وحدت و یک پارچگی خود و ملت اش را با پذیرفتن ارزش های بین المللی حفظ نمود.

سیزده قرن قبل جامعه جاهلیت عرب در تاریکی و فقدان ارزش های بشری بسر می برد؛ در چنین روزگاری بود که حضرت محمد(ص) جامعه عقب مانده عرب را با ارزش ها و اصول جدید آشنا ساخته و زندگی اجتماعی اعراب را با مساوات، برابری، تحمل و همدگرپذیری، تنوع و تعهدات و مسوولیت پذیری رونق داد تا وضع زندگی آن ها بهبود یابد و با معرفی ارزش های یاد شده؛ درک و احترام متقابل را میان مرد و زن ایجاد کرد و ارزش ذاتی مرد و زن را برای جامعه عرب ارایه نمود. مسوولیت ها و تعهدات متذکره واضحاً در قانون اساسی افغانستان نیز گنجانیده شده است. ماده بیست و دوم: هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد، در برابر قانون دارای حقوق و واجبات مساوی می باشند.

ملت افغانستان، در درازای تاریخ توسط هر دو منبع (دین مبین اسلام و قانون اساسی) هدایت و رهبری شده است؛ اما منبع دومی در تحریک احساسات مردم نقش کم تر بازی کرده است. همچنان افغان ها از درک و شناخت درست کرامت بشری و عدالت اجتماعی کم تر آگاهی داشته و مسلماً که عدالت اجتماعی و ارزش های کرامت بشری برای تمام مردم این سرزمین فراهم نشده است. جنگ های خانمان سوز، منازعات و کشمکش های ناشی از حوادث غیر طبیعی، شدیداً همبستگی و یکپارچگی اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی کشور ما را متضرر ساخته است. پس بر دلایل فوق الذکر، مردم افغانستان از ثمره تغییرات مثبت به دور مانده اند. همچنان جامعه افغانی نه تنها به دلایل فقدان منابع مالی؛ بلکه از اثر کمبود ظرفیت های بشری، از مزایای تغییرات مثبت عقب مانده و در واقع از فرصت ها و مزایای جوامع مسالمت آمیز به دور نگهداشته شده اند.

بناً ترویج و توسعه ارزش های کرامت بشری و عدالت اجتماعی، بنیاد اساسی هر پالیسی اجتماعی به شمار می رود. دست یابی به ارزش های کرامت بشری و عدالت اجتماعی امکان پذیر است و نیاز به تشریح مساعی و صرف انرژی و منابع و تصمیم قاطع دارد تا جلو سختی های غیرقابل قبول گرفته شود، وضعیت زندگی افراد آسیب پذیر بهبود یابد، شرایط بهتر زندگی برای اقشار آسیب پذیر مهیا گردد و سرانجام با این کار دیدگاه ما نسبت به عدالت اجتماعی به واقعیت مبدل شود. هرچند این اقدام زمان گیر است؛ ولی در درازمدت تحقق یافتنی است؛ اما در کوتاه مدت باید کارهای بیش تری انجام گیرد تا به این هدف مشترک برسیم. با این حال؛ پالیسی ملی اجتماعی هذا نقشه راه را برای رسیدن به این هدف مشترک مشخص و واضح نموده است که باید مشترکاً در این عرصه کار شود.

AFHDS	سروی صحت و دیموگرافی افغانستان
AIHRG	کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان
AIRCSC	کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی
ALCS	سروی شرایط زندگی در افغانستان
AMICS	سروی کلستر چنگانه افغانستان
ANDS	استراتژی انکشاف ملی افغانستان ۲۰۰۸-۲۰۱۳
ANSF	نیروهای امنیتی افغانستان
ANPDF	چارچوب صلح و انکشاف ملی افغانستان
A-SDGs	اهداف انکشاف پایدار برای افغانستان
CC	برنامه میثاق شهروندی
CDC	شورای انکشاف محلی
CSO	اداره مرکزی احصاییه
DIREG	کمیته اجرایی ویا ادغام مجدد بیجاشدگان داخلی
DoLSAMD	ریاست‌های ولایتی وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین
DoWA	ریاست‌های ولایتی وزارت امور زنان
FHH	خانم‌های خود سرپرست
FRU	واحد رسیدگی به شکایات خانوادگی وزارت امور داخله
GD-KU	ریاست عمومی کوچی‌ها
GoIRA	دولت جمهوری اسلامی افغانستان
HI	سازمان بین المللی معلولین
IDLG	اداره مستقل ارگان‌های محل
ILO	سازمان بین المللی کار
IM	میزان مرگ و میر کودکان (مرگ کودکان زیر سن یکسال از هر ۱۰۰۰ تولد)
MAIL	وزارت زراعت، آبیاری و مالداري
MM	میزان مرگ و میر مادران در جریان ولادت‌ها
MoBTA	وزارت سرحدات و قبایل
MoCN	وزارت مبارزه علیه موادمخدر
MoE	وزارت معارف
MoF	وزارت مالیه
MoLSAMD	وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین
MoPH	وزارت صحت عامه
MoPW	وزارت فواید عامه
MoRR	وزارت مهاجرین و عودت کنندگان
MoRRD	وزارت احیاء و انکشاف دهات
MoUD	وزارت شهرسازی و مسکن
n.d	بدون تاریخ
NGO	مؤسسات غیردولتی
NPP	برنامه ملی دارای اولویت
	حکومت وحدت ملی
	<b>NUG</b>
OECD	سازمان توسعه و همکاری اقتصادی
ODI	انسٹیټوت نظارت از انکشاف
SDGs	اهداف انکشاف پایدار
SMAF	اعتماد به نفس از طریق چارچوب حساب دهی متقابل
UDHR	اعلامیه جهانی حقوق بشر
UNICEF	صندوق حمایت از اطفال سازمان ملل (یونیسف)
UNOCHA	دفتر کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل

## فهرست عناوین

۱	عمومیات-----	
۱	مقدمه-----	
۲	اختصارات-----	
۳	محتویات-----	
۴	خلاصه پالیسی ملی اجتماعی-----	
۸	مقدمه-----	. ۱
۹	مصالح، منافع و مشکلات پالیسی اجتماعی موجود-----	. ۲
۱۱	روش و چارچوب‌های تحلیلی-----	. ۳
۱۲	تحلیل وضعیت موجود و پالیسی‌های بدیل-----	. ۴
۱۳	مسائل اجتماعی-----	۴, ۱
۱۳	محرومیت اجتماعی-----	۴, ۱, ۱
۱۳	دسترسی به خدمات اجتماعی اولیه-----	۴, ۱, ۲
۱۵	اشتغال زایی و بلند بردن سطح مهارت‌های کارایی-----	۴, ۱, ۳
۱۶	خشونت علیه اطفال و زنان-----	۴, ۱, ۴
۱۷	دسترسی به اطلاعات و توانمندسازی-----	۴, ۱, ۵
۱۸	پایداری مسایل اجتماعی-----	۴, ۱, ۶
۱۸	معلولیت/ شرایط نامساعد اجتماعی-----	۴, ۲
۱۹	بیوه زنان/ خانم‌های خود سرپرست-----	۴, ۲, ۱
۲۰	اشخاص دارای معلولیت-----	۴, ۲, ۲
۲۱	کهن سالان-----	۴, ۲, ۳
۲۱	اشخاص معتاد به مواد مخدر-----	۴, ۲, ۴
۲۲	اطفال-----	۴, ۲, ۵
۲۳	چارچوب معلولیت اجتماعی-----	۴, ۲, ۶
۲۳	تفویت تأمینات اجتماعی-----	۴, ۳
۲۳	بیمه اجتماعی-----	۴, ۳, ۱
۲۴	مساعادت اجتماعی-----	۴, ۳, ۲
۲۵	خدمات اجتماعی-----	۴, ۳, ۳
۲۵	خدمات بلند بردن مهارت‌های شغل یابی افسار آسیب پذیر-----	۴, ۳, ۳
۲۵	خدمات فنی و مسلکی-----	۴, ۳, ۳
۲۵	خدمات مراقبت اجتماعی-----	۴, ۳, ۳
۲۶	ایجاد واحد نظارت از تطبیق و اجرای پالیسی ملی اجتماعی-----	۴, ۴
۲۶	تنظیمات، تطبیق و اجرای پالیسی ملی اجتماعی-----	. ۵
۲۶	مسوولیت اجرا و تطبیق پالیسی ملی اجتماعی-----	۵, ۱
۲۷	بودجه تخمینی-----	۵, ۲
۲۷	بودجه اجرا و تطبیق پالیسی ملی اجتماعی-----	۵, ۲, ۱
۲۸	مصارف آوردن اصلاحات در وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین-----	۵, ۲, ۲
۲۸	خطرات و شیوه‌های کاهش آن-----	۵, ۲, ۳
۲۹	نتیجه گیری-----	. ۶

## پالیسی ملی اجتماعی توحید شده مسیر و جهت‌های پایدار- رویکرد و نگرش عادلانه- اصول منسجم و معقول

### خلاصه پالیسی ملی اجتماعی

#### تحلیل وضعیت موجود

افغانستان در حال حاضر از نظر شاخص انکشاف بشری در سطح پایین قرار داشته و قادر به مهار چالش‌های فراگیر نمی‌باشد. چالش‌های ناامنی و حوادث طبیعی هر ازگاهی این کشور را تهدید می‌کند و همچنان از منظر مالی و پولی، این کشور متکی به کمک‌های جامعه بین‌المللی است. بناً این کشور نیاز اشد به توسعه بشری و مدیریت درست منابع محدود مالی دارد. مشکل دیگر این کشور فقدان نیروی کار کافی واجد شرایط و مسلکی است و سالانه تعداد فارغان این کشور نیز افزایش می‌یابد. هم اکنون نیروی کار جامعه افغانستان عمدتاً روی اطفال و کهن سالان اکثرأ مرد استوار است.

اما خوشبختانه دوره کنونی که به نام دوره تحول و تغییر یاد می‌شود، آندای مشخصی را جهت انکشاف روی دست گرفته که در این آندای رشد اقتصادی و اشتغال زایی در اولویت قرار داشته که به کمک الهی کشور را به سوی جهندگی و خودکفایی اقتصادی سوق می‌دهد. آندای انکشاف ملی برای کسانی که در حاشیه زندگی می‌نمایند، راه‌های دوام دار و پایدار را روی دست گرفته که منتج به دستیابی مساعدت‌های حمایتی می‌شود. همچنان تمرکز کلی این آندای روی محور ایجاد فرصت‌های شغلی و کار می‌چرخد که افراد جامعه باید از طریق کار امرار معاش نمایند. چون رفاه در کمک‌های اجتماعی نه پایدار است و نه هم جامع و در حال حاضر تطبیق و اجرای آن ناممکن است.

بناءً به منظور تطبیق و اجرای کامل آندای اقتصادی فوق‌الذکر، نیاز به یک آندای اساسی تغییر اجتماعی است تا تدابیر لازم اتخاذ شود، تمامی منابع بشری به روند انکشاف و توسعه دخیل ساخته شود و بدین شیوه از طریق فراهم سازی فرصت‌های مساوی جلو فقر کثیر البعدی گرفته شود و همه به منابع اولیه دسترسی پیدا کنند و فرصت‌های شغلی افزایش یابد تا افراد جامعه بتوانند از این طریق امرار معاش نمایند و در رشد و توسعه اقتصاد ملی سهم بگیرند.

از این رو، پالیسی ملی اجتماعی در تلاش کاهش سطح فقر در کشور می‌باشد. این پالیسی، چارچوب جامع مسایل پایدار اجتماعی را ارایه می‌کند که بر اساس آن تدابیر و اقدامات ملی منتج به بهبود سطح زندگی شهروندان می‌گردد. همچنان پالیسی هدا چارچوب جامعی برای افراد متضرر و آسیب پذیر در برابر معلولیت اجتماعی پیشکش می‌نماید تا از این روش، مدیریت سالم به میان آید و همچنان پالیسی مورد بحث در برگیرنده تقویت سیستم‌های تأمینات اجتماعی نیز است تا از این طریق خدمات تأمینات اجتماعی را در میان مدت، توسعه و گسترش دهد. پس اجرا و تطبیق پالیسی هدا نیازمند ایجاد یک نهاد مستقل و واحد نظارتی است تا حین تطبیق؛ میان همه کتگوری‌ها، سکتورها و جوانب دیدخل، هماهنگی و انسجام وجود داشته باشد و همچنان در مطابقت کامل با اصول و معیارهای ملی باشد و ظرفیت‌ها را برای داشتن یک سیستم مؤثر و مفید تأمینات اجتماعی ایجاد نماید تا در آینده جامعه افغانستان را به سوی هدف دراز مدت سوق دهد.

## تعریف و مفهوم آسیب پذیری در چارچوب جامعه افغانی

آسیب پذیری در جامعه افغانی به مفهوم کمبود فرصت به علت سن، جنسیت، توانایی فیزیکی و ذهنی و یا به علل موقعیت جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و جوی است که افراد آسیب پذیر نمی تواند به منابع اقتصادی موجود یا منابع مادی و اجتماعی دسترسی پیدا کند یا در مسایل مربوط مشارکت داشته باشد و از آن مستفید شود و یک زندگی مستند و قابل قبول را برای خود فراهم نماید. افراد اکثراً معلول، کسانی هستند که به دلیل نداشتن ظرفیت کافی که بشکل مستقل از فرصت های موجود استفاده نمایند، نسبت به محرومیت اجتماعی خیلی حساس و در معرض خطر قرار دارند.

### مسایل اجتماعی دارای اولویت

پالیسی ملی اجتماعی هذا مشخصاً روی پنج مسئله کلیدی اجتماعی بحث می کند. در کوتاه مدت و حتی الامکان در میان مدت تدابیر و اقداماتی که به مسایل اجتماعی مربوط می پردازد، جمع کثیری از افراد را هدف قرار می دهد که در حال حاضر شدیداً از همچو مسایل متأثر شده اند. بنا در جریان دستیابی به هدف متذکره و پس از این که در کل وضع زندگی همچو افراد بهبود یابد، مسایل اجتماعی مربوط ممکن است کم یا بیش مهم باشد و از این قبیل افراد ممکن است تغییر کنند و حتی ناپدید شوند. باید گفت که همچو مسایل در میان ملت های مترقی و توسعه یافته نیز وجود دارد و همچو موارد در محراق توجه ارایه خدمات اجتماعی قرار دارد. چون این مسئله هنوز هم در میان افراد و خانواده ها منحصیث یک نگرانی جدی و دوام دار باقی مانده است. برای رسیدگی به مسایل متذکره باید تدابیر ذیل روی دست گرفته شود.

- **ترویج و گسترش مشارکت اجتماعی:** به ویژه زنان و افراد معلول باید در کوتاه مدت و میان مدت در اولویت قرار داده شوند و دو قشر متذکره باید به تمام سطوح آموزش و پرورش دسترسی پیدا کنند همچنان روی وضع صحتی زنان باید بیش تر تمرکز شود و برای آن ها فرصت های اقتصادی ایجاد و زمینه مشارکت در دولت نیز برای شان فراهم گردد.

- **دسترسی به خدمات اساسی اجتماعی:** باید برای آن عده از افراد آسیب پذیر و محروم که در معرض خطر جدی قرار دارند؛ سرپناه، آب آشامیدنی، کمک های صحتی و حفظ الصحت و زمینه آموزش و پرورش فراهم گردد. همچنان باید گفت که عودت کنندگان، کوچی ها و خانواده هایی که در نقاط دور دست و مرزی کشور زندگی می نمایند، در اولویت قرار داده شوند و در کتگوری و قشر نخست باید قرار گیرند. چون این طبقه مردم شدیداً به خدمات اجتماعی اساسی نیاز دارند. کتگوری های در معرض خطر و قربانیان حوادث طبیعی در کتگوری درازمدت قرار می گیرند و انتقال آن ها از ساحات دارای خطر بالا به محلات دیگر به تعویق می افتد و در برنامه درازمدت روی آن ها کار صورت می گیرد.

- **افزایش اشتغال زایی و بلند بردن سطح مهارت ها و ظرفیت های کاری:** برای کتگوری افراد خیلی فقیر، بی کار و کار کم و در معرض خطر و کارگران مهاجر، طوری که در فوق ذکر شد. همچنان افرادی که سالانه وارد بازار کار می شوند و همچنان برای زنان؛ باید مهارت ها و ظرفیت های بازاریابی آن ها بلند برده شود و برنامه های آموزشی بازاریابی برای شان فراهم گردد. باید نیازهای عملی امروز درک شود و تنها به یک مهارت اکتفا نشود تا بدین وسیله اقشار متذکره در آمد کافی به دست بیاورند. باید مهارت های نرم شان نیز انکشاف داده شود و هرگونه موانعی که جلو رشد و پیشرفت شغل آزاد را می گیرد باید از میان برداشته شود. تأسیس سیستم معلوماتی تخصصی منظم بازار کار جهت فراهم آوری دینای نامنظم به شکل تازه و منظم و توافق آن منحصیث یک تعریف مستند و مشخص جهت برقراری ارتباط میان آمار ملی و بین المللی.

- حصول اطمینان از عدم موجودیت خشونت علیه زنان و اطفال در حیات خصوصی و عامه به شمول هماهنگی و دسترسی به سکتور عدلی و قضایی و تعهدات و معاهدات بین المللی، قانون اساسی و گسترش محاکم مخصوص، خدمات تعقیب و پیگیری نهاد های عدلی و قضایی و ایجاد توقیف خانه ها و محابس مخصوص، ایجاد خدمات مراقبتی معیاری و با کیفیت و گسترش میکانیزم های حمایتی مانند: کارمندان طبقه انات و واحد رسیدگی به شکایات خانوادگی وزارت امور داخله و ادغام مجدد اجتماعی.

- تقویت و بلند بردن سطح آگاهی عامه، توانمندسازی اقشار محروم جامعه: گسترش و فراهم نمودن زمینه مشارکت اقشار متذکره در دموکراسی انکشافی و مترقی البته به هدف کلی انتشار معلومات در خصوص خطرات، معلومات عملی و کافی در خصوص مسوولیت پذیری مسوولین و حقوق آنان، منابع مساعدت و ایجاد میکانیزم های موثر حسابدهی و پاسخگویی از سوی نهاد های دولتی.

نظارت و ارزیابی پیشرفت کیفیت زندگی جهت بلند بردن سطح آگاهی و درک شهروندان و مشارکت آن‌ها در جامعه و سایر پروسه‌ها خیلی حیاتی و مهم است. بناءً به منظور این که این پروسه به موفقیت به پیش برده شود، دو ابتکار ذیل در کوتاه مدت و میان مدت پیشنهاد و سفارش شده‌است.

- نخست « شاخص زندگی بهت »: آگاهی دهی مردم در سطح ملی در خصوص پیشرفت و معیارهای زندگی با ارایه شیوه‌ها و فرمت‌های ساده و قابل دسترس. افزون براین؛ در سطح ولایات باید به مردم نسبت به برنامه‌ها و پلان‌گزاریهای دولت آگاهی و معلومات داده شود و در سطح محل باید تدابیر محلی در خصوص بهبود پیشرفت روی دست گرفته شود که می‌تواند شامل شاخص ویژه وضع اطفال نیز شود.
- دوم «استراتژی ارتباطات ملی» است. این استراتژی تمام ابتکارات پلان شده را باهم منسجم می‌سازد تا سطح آگاهی نسبت به مسوولیت‌ها و تعهدات حقوق بشری، خطرات، تدابیر کاهش خطرات یا راه‌حل‌های آن را بلند ببرد و مردم را نسبت به راه‌ها و منابع حمایتی آگاه بسازد. پس اهداف آتی کم مصرف، پر محتوا و بخش وسیع از ساحات جغرافیایی را تحت پوشش قرار می‌دهد تا تأثیر آن قابل مشاهده و دوام دار باشد.

### نا به سامانی‌های اجتماعی دارای اولویت

به دلیل چند پارچگی، شکاف و تکثیر در میان نهادها، افراد معلول نمی‌توانند به خدمات دسترسی داشته باشند یا این که حداقل در برابر خطرات و مشکلات ناشی از مسایل فوق مقابله نمایند. به همین دلیل، چارچوب جدید معلولیت اجتماعی معرفی و پیشکش شده تا قابلیت و کارایی نهادهای ذیربط را انکشاف و تقویت نموده، ظرفیت‌ها، معیارها و سیستم ارایه خدمات همچو نهادها را بالا ببرد. همچنان تفکیک میان کهن سالان و اطفال به دلیل نیازمندی‌ها و مقتضیات ذیل صورت گرفته تا روی توانایی و مهارت‌های فنی، تخنیکی و ارتباطات و اصول نامه رفتاری آن‌ها تلاش صورت گیرد.

اطفال، جوانان، خانواده‌ها	کهن سالان
خدمات مراقبتی در سطح محلات	خدمات مراقبتی در سطح محلات
خدمات مراقبت‌های مسکونی	خدمات مراقبت‌های مسکونی
افراد زیر خطر/ بازماندگان خشونت	زنان در معرض خطر/ بازماندگان خشونت
اطفال دارای توانایی مختلف	کهن سالان دارای توانایی‌های مختلف
اطفال در معرض خطر استفاده کنندگان مواد مخدر	کهن سالان معتاد به مواد مخدر
اطفالی که در تناقض و تضاد با قانون قرار دارند	زنائی در که در تعارض و تضاد با قانون قرار دارند
	کهن سالان
اطفال بی سرپرست و محروم که مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته یا این که قاچاق شده‌اند و در مکان منظم مانند: خانواده زندگی می‌نمایند که در آنجا کارمندان مجرب و متخصص وجود دارد.	

بناءً به منظور توحید و تحکیم این چارچوب و توسعه و ارایه خدمات حمایتی به اشخاص دارای معلولیت در کوتاه مدت باید تدابیر و اقدامات ذیل روی دست گرفته شود:

- وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین و وزارت امور زنان باید به ترتیب؛ برنامه نظارت و رسیدگی به اطفال و زنان محروم و معلول را آغاز نمایند و خدمات مورد نیاز، توسط ارگان‌ها و نهادهای مربوطه به همچو افراد آماده و ارایه گردد.
- وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین و وزارت امور زنان؛ برنامه ارزیابی اولیه و خدمات رجعت دهی را در ریاست‌های ولایتی خویش درمشارکت و همکاری با عرضه کنندگان خدمات، معیارهای خدمات و سیستم نظارتی ایجاد و تقویت نمایند.
- وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین و وزارت امور زنان باید برنامه‌های هماهنگی حمایتی و مبنی بر شواهد را که از سوی ادارات و نهادهای غیردولتی به راه انداخته می‌شود، تهیه نمایند. البته این کار با مشارکت فعال و پلان‌گزاریه مشترک هر دو طرف صورت می‌گیرد تا روش‌ها، اقدامات و تدابیر ناچیز و فاقد تدابیر فعلی تغییر کند، روش‌ها و تدابیر اساسی و مستند جاکزین آن شود.

از آنجایی که عرضه خدمات همچنان تحت حاکمیت و دستور وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین و وزارت امور زنان قرار دارند، ایجاد مراجع و حفظ و نگهداری نظارت از معلومات و گزارش دهی از کارهای اساسی این دو وزارت می‌باشد.

با توجه به این که دین مبین اسلام و قانون اساسی کشور مساعدت و کمک به بیوه زنان، معلولان، کهن سالان و یتیمان نیازمند را بر ما واجب گردانیده است؛ پس فقدان معلومات کافی پیرامون مساعدت ها و خدمات مراقبت‌های اجتماعی، جلو اتخاذ تدابیر جدید را در کوتاه مدت می‌گیرد. پس به منظور این که از تدابیر و اقدامات آینده، آگاهی کامل داشته باشیم و تدابیر لازم و عملی روی دست گرفته شود، باید وضعیت بیوه زنان و خانم‌های خود سرپرست و افراد معلول ارزیابی گردد و همچنان برای این که حمایت‌های مسکونی و خانوادگی حفظ شود و میزان بینوایان و نیازمندان ارزیابی گردد، ارزیابی‌های همه جانبه در خصوص افراد راه اندازی می‌شود. همان طوری که در فوق تذکر داده شد، این ارزیابی روی بیوه زنان و خانم‌های خود سرپرست و کهن سال راه اندازی می‌شود و در باره ایتام بعداً بحث می‌کنیم. افزون بر این، شرایط برنامه حکومت وحدت ملی زیر نام میثاق شهروندی که تمام اقشار آسیب پذیر و در معرض خطر را تحت پوشش قرار می‌دهد، به سایر برنامه‌های ملی کلیدی توسعه داده می‌شود و این برنامه‌ها فرصت‌های حمایتی را فراهم می‌سازد. بناءً تمام برنامه‌های از این قبیل، باید به شکل منظم و دوامدار معلومات جداگانه مربوط به خویش را گزارش دهند.

در حال حاضر، دسته وسیعی از معلومات درباره وضعیت اطفال، موجود است و باید یک نگرانی ملی به شمار آید. معلومات موجود حکایت از وضع رقت بار اطفال دارند که از تولد تا بزرگ شدن با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. معلومات موجود؛ صحنه‌هایی از سوءاستفاده، استثمار، خشونت علیه قشر عظیم ای از دختران و پسران و فراموشی آن‌ها را به تصویر می‌کشد. با درک این اصل که اطفال (آینده سازان کشور) مسوولان و حاکمان آینده ملت به شمار می‌آیند؛ بر ماست تا آینده بهتری را برای آن‌ها فراهم نماییم. پس برنامه رسیدگی به اشخاص دارای معلولیت و اطفال در محراق توجه برنامه‌های ما قرار دارد و تلاش بر این است تا برای اطفال، آینده، بهتری را تضمین نماییم. بناءً در کوتاه مدت باید تدابیر و برنامه‌های زیر روی دست گرفته شود:

- نخست باید یک برنامه ملی اطفال طرح و تدوین گردد و تمامی اقدامات و تدابیر فعلی حمایت از اطفال؛ منسجم، هماهنگ و تقویت گردد تا برای اطفال، برنامه مصونیت اجتماعی ایجاد گردد، وضع زندگی آن‌ها بهبود یابد و در این خصوص تلاش می‌شود تا تمامی خدمات و مساعدت‌ها در مطابقت با کنواسیون بین المللی حقوق اطفال ارایه گردد. برنامه مورد بحث، زمینه را برای داشتن شاخص بهتر زندگی برای اطفال کشور آماده می‌سازد. همچنان شورای انکشاف محلی از طریق برنامه میثاق شهروندی می‌تواند زمینه پیشرفت و رشد زندگی اطفال را ترویج و نظارت نموده و از چگونگی بهبود و پیشرفت زندگی اطفال گزارش ارایه نماید. افزون بر این؛ برنامه‌ها با راه اندازی رقابت در سطح ملی زیر نام «بهترین روش‌ها و شیوه‌های محلی» رأی دهی از طریق موبایل، اعطا و توزیع جایزه کوچک به محل برنده، حمایت می‌شود.

## تحکیم و تقویت تأمینات اجتماعی

هرچند که توسعه و گسترش تأمینات اجتماعی، نیازمند رشد سکتور خصوصی و بهبود وضع مالی است؛ ولی با آنهم باید در درازمدت، گام‌های زیر روی دست گرفته شود تا زمینه برای اتخاذ تدابیر میان مدت فراهم گردد.

- **بیمه اجتماعی:** مرحله دوم، بیمه صحی باید تجدید نظر و ارزیابی شود (مرحله اول، بیمه صحی در سال ۲۰۱۵ از سوی وزارت صحت عامه ارزیابی و تجدید نظر شده است) البته باید گفت که این کار در مشوره با این که چقدر علاقه مندی به پرداخت آن وجود دارد و چقدر مردم از آن مستفید می‌شود صورت گیرد و چارچوب‌های حقوقی و اداری آن آغاز گردد و مرحله آزمایشی آن در سکتور دولتی تطبیق گردد، مشوره‌های تخنیکی در رابطه به چگونگی پیشرفت جهت تصدیق و تصویب منشور ILO در مصونیت اجتماعی (حداقل معیارات - ۱۰۲) و از پیشرفت‌های آن نیز معلومات داده شود. سپس در میان مدت روند قانونی و حقوقی آن در سکتور خصوصی آغاز گردد و همچنان پیشرفت‌هایی در خصوص تصویب کنوانسیون‌های سازمان بین المللی کار نیز صورت گیرد. جهت تطبیق و اجرای ماده ۱۰۲ کنواسیون کار که در خصوص حد اقل معیارات تأمینات اجتماعی است و همچنان ماده ۱۷۸ کنواسیون بین المللی کار که در باره مراعات اصول و معیارهای ایمنی و سلامتی در امور صنایع و استخراج می‌باشد.
- **مساعدت اجتماعی:** آوردن اصلاحات در روند تأدیبات پول به شهدا و معلولین طوری که در روند تأدیبات پول تقاعد اصلاحات آمد و همچنان تجدید نظر و ارزیابی، بهترین روش و شیوه‌ها جهت حمایت و پشتیبانی سربازان و افسران بدون مساعدت نقدی و چگونگی جبران خساره شهدا و معلولین ملکی با برنامه و شیوه‌های مشخص و متمایز.
- **خدمات اجتماعی:** خدمات اجتماعی باید طور ذیل تقویت گردد:
  - **خدمات اشتغال زایی و استخدام:** تجدید نظر روی ریاست «جبران خساره ناشی از کار» تحت



معینیت امور اجتماعی وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین جهت رفع فقدان وضاحت چارچوب قانونی، تعیین نیرو جهت توسعه و رشد سکتور خصوصی، و انتقال مأموریت نظارت بر بخش مساعدت اجتماعی معینیت کار صورت گیرد و این ریاست باید تمام تلاش‌های خویش را به خرج دهد تا برابر و موازی با رشد سکتور خصوصی به پیش برود و ظرفیت و مهارت‌های کارمندان را در مطابقت با رشد سکتور خصوصی ارتقا بخشد.

■ **خدمات تخنیکي:** در کوتاه مدت باید یک دستورالعمل پیرامون مصنویت شغلی و صحت، شماره ۱۵۵ و چارچوب ارتقایی آن شماره، ۱۸۷ تصویب گردد و هم ایجاد یک پالیسی مربوطه در ارتباط به مصنویت شغلی در ردیف معیارات ILO با ملاحظات مقدم در زراعت، ساختمان و سکتورهای معادن صورت گیرد.

رهنمود ها، جهت وظایف، مکلفیت‌های کارفرما و حقوق و امتیازات کارمندان آماده و تطبیق گردد و برای کارکنان طبقه انات، کودکستان‌ها نیز ایجاد گردد. همچنان یک نهاد مسلکی نظارت جهت گرفتن مسولیت تخنیکي در تمامی کنوانسیون‌ها و منشورهای کار و تطبیق شان در وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین ایجاد گردد تا نیازمندی‌های برنامه‌های آموزشی کارمندان و کارکنان، خدمات مراقبتی را ارزیابی نماید.

■ **خدمات مراقبت اجتماعی:** باید این خدمات در مطابقت با اصول و معیارهای ملی باشد، از خانواده ها حمایت نموده و باعث رشد و بهبود وضعیت زنان و مساوات گردد و همچنان کم مصرف بودن خدمات فوق الذکر، نیازمند ارزیابی و اصلاحات ذیل است:

**پرورشگاه‌ها و دارالایتام:** تمام اطفالی که سرپرست و یا خانواده دارند باید مجدداً ادغام گردند و برای تمامی اقشار اطفال در کوتاه مدت و درازمدت، خدمات مسکونی عصری مهیا گردد و مراقبت‌های حمایتی ایجاد گردد.

- **کودکستان‌ها:** باید نقش کودکستان‌ها در چارچوب وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین تعریف و تعیین گردد و کودکستان‌ها باید تحت پوشش این وزارت قرار داشته باشد و زنان کارگر به شمول فقرا حمایت شود.

- سرانجام عرضه خدمات انکشاف مهارت‌ها باعث ایجاد سریع برنامه‌های آموزشی برای کارکنان مراقبت اجتماعی و آنانی که که سند لیسانس ندارند و می‌توانند در چندین سکتور کار نمایند و همچنان به همین گونه برنامه آموزشی برای مراقبت اطفال در کودکستان‌ها نیز آماده می‌گردد (البته با تجدید نظر در صورتی که نیاز باشد) تا این گونه خدمات توسعه یابد و لینک تریبی جدید به فرصت‌های شغلی توسط ایجاد دوباره خدمات شغلی مؤثر و کافی .

### نظارت از تطبیق پالیسی ملی اجتماعی

مسولیت نظارت از تطبیق پالیسی ملی اجتماعی، از وجایب و مکلفیت‌های اساسی وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین است. بناءً وزارت محترم کار، کمیته اجرایی را بدین منظور ایجاد می‌نماید تا در همکاری نزدیک با نهاد ها و ادارت ذیربط، از تطبیق کامل پالیسی هذا نظارت نماید. به همین منظور؛ وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین پلان مفصل مدیریت تغییر را جهت اصلاحات گسترده تدوین می‌کند که امور آتی را در بر می‌گیرد:

- هماهنگی درست جهت انسجام پالیسی و مطابقت آن با اصول و معیارهای پذیرفته شده؛
- مدیریت معلومات در مشارکت با اداره مرکزی احصاییه و راه اندازی برنامه آگاهی دهی عامه در باره دست آوردها، ادامه برنامه مورد نظر و رسیدگی به نیازمندی‌های جدید؛
- نظارت از پیشرفت به سوی اصل عمومیت در خصوص ارایه خدمات اساسی اجتماعی؛
- رهبری، هماهنگی، ارزیابی و تجدید نظر پالیسی ملی و ارایه توصیه‌ها و سفارشات و پیشنهادات؛
- آگاهی‌دهی و تفهیم مردم نسبت به پیشرفت‌ها و همچنان نفوذ در ادارت دولتی به هدف این که «شاخص زندگی بهتر» توسعه و ادامه داده می‌شود؛
- دفاع و حمایت مشترک با جوانب ذیدخل برای فراهم آوری منابع کافی جهت تحقق نیازمندی‌های تأمینات اجتماعی شهروندان؛
- مقتضیات و نیازمندی‌های اساسی مفید برای کلیه تدابیر و اقدامات پالیسی ملی اجتماعی عبارت اند از:
- همخوانی و مطابقت با اصول و ارزش‌های ملی، از جمله ملکیت دولتی، مساوات، مشارکت اجتماعی، رشد و بهبود حالت زنان، تقدم و اولویت خانواده، آینده نگری و قابل دست یابی.
- داشتن شناس‌نامه برقی و شیوه‌های تأدیبات الکترونیکی.

سرانجام، پالیسی ملی اجتماعی هذا در استراتژی ملی مصنویت اجتماعی گنجانیده می‌شود.

متن فوق، چکیده‌ای از نخستین پالیسی ملی اجتماعی افغانستان را ارائه می‌نماید که در برگیرنده اقدامات پیشنه‌های نخستین بوده و این پالیسی، بر علاوه پلان‌ها و بودجه کنونی، برنامه ملی اجتماعی نیز می‌باشد. قابل ذکر است که بخش‌های اول الی ششم این پالیسی صرف روی دلایل و توجیه تمرکز این پالیسی می‌چرخد و در برگیرنده اقدامات اضافی نیز است که از تطبیق و اجرای کامل این پالیسی، حمایت و پشتیبانی می‌نماید.

## ۱: مقدمه پالیسی ملی اجتماعی

پالیسی ملی اجتماعی دولت جمهوری اسلامی افغانستان به تاسی از بند ۵ ماده ۷۵ و ماده ۷۶ قانون اساسی سال ۲۰۰۴ طرح و تدوین شده است. معرفی و تدوین پالیسی‌ها بازتاب دهنده تمایل و اراده دولت جمهوری اسلامی افغانستان نسبت به ایجاد چارچوب‌های پالیسی برای انکشاف ملی است که در چارچوب انکشاف و صلح ۲۰۱۷-۲۰۲۱، برنامه‌های ملی دارای اولویت و اهداف انکشاف پایدار صراحت دارد. از آن جایی که پالیسی ملی اجتماعی هذا از جمله تازه ترین پالیسی دولت جمهوری اسلامی افغانستان است؛ پس این پالیسی روی دو اصل تمرکز دارد. نخست: دلایل تدوین و تمرکز این پالیسی، دوم: پالیسی متمرکز به واقعیت‌ها و شرایط جامعه.

لذا پالیسی اجتماعی اساساً روی رفاه و زندگی بهتر تمامی شهروندان می‌چرخد. پس پالیسی هذا مستقیماً از وضعیت و گروپ‌های اجتماعی موجود افغانستان متأثر بوده، حسب لزوم دید وضعیت موجود افغانستان طرح و تدوین شده است و در شرایط و چارچوب افغانستان قابل تطبیق می‌باشد. پس از آن جایی که اوضاع در حال تغییر است و اوضاع اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مختلف است؛ پس پالیسی این پالیسی نیز باگذشت زمان تغییر می‌کند. از این که هیچ فورمول و قاعده معیاری برای پالیسی اجتماعی وجود ندارد؛ در کشورهای انکشاف یافته، تعریف پالیسی اجتماعی عبارت از یک سلسله تدابیر و اقدامات تأمینات اجتماعی است که از در آمد شهروندان حمایت می‌کند، زمینه را برای در آمد اتباع یک کشور فراهم می‌نماید و در برابر چالش‌های قابل پیش بینی بیکاری، از اتباع یک کشور حمایت و پشتیبانی می‌نماید و در برابر خطرات و از دست دادن منبع در آمد برای شهروندان، مصونیت اجتماعی آماده می‌سازد. خلاصه کلام این که پالیسی اجتماعی عبارت از تدابیر و اقداماتی است که از اتباع کشور در برابر مشکلات بیکاری، مریضی، ولادت، حادثه، معلولیت، مرگ، تقاعد و مسایل مربوط به محل کار حمایت و پشتیبانی می‌نماید و در چنین حالات، پالیسی ملی اجتماعی یک سلسله خدمات اجتماعی را به راه می‌اندازد تا برای اقشار عمدتاً آسیب پذیر، کمک و مساعدت نماید.

اما کشورهای در حال توسعه، مانند افغانستان که شغل رسمی در آن محدود و پشتیبانی گسترده در آمد در آن محسوس و عملی نمی‌باشد، زمینه رفاه و زندگی بهتر نیز برای اتباع همچو کشورها فراهم نمی‌باشد. ولی با وجود تفاوت وضعیت و شرایط، پالیسی اجتماعی در برابر نگرانی‌های مسایل اجتماعی که رفاه و بهزیستی شهروندان را به چالش مواجه می‌سازد، ثابت بوده و همچنان برای آن عده از افراد معلول که به دلایل گوناگون قادر به استفاده از منابع موجود نمی‌باشند، چارچوب‌های عملی را روی دست گرفته است. هدف اولی این پالیسی، شامل انکشاف کلی است و اساساً روی ایجاد منابع پایدار مالی، ایجاد ظرفیت‌های بشری و از همه مهمتر، تجسم و شکل دهی دیموگرافی جمعیت کشور تمرکز می‌نماید. در حال حاضر افغانستان در برابر تمام مسایل متذکره به چالش مواجه می‌باشد.

بناءً تمامی مزایا، فواید و خدماتی که به اقشار مربوطه در چارچوب این پالیسی ارائه می‌گردد، باید متضمن ارزش‌های اساسی ملی<sup>۱</sup> باشد و برابری و مساوات باید برای تمام شهروندان واجد شرایط فراهم گردد و نمونه‌های موفق ایجاد گردد تا تصمیم‌گیری‌های آینده براساس آن صورت گیرد. پالیسی ملی اجتماعی هذا منحصبت چارچوب پایدار تدوین گردیده که تمامی تلاش‌ها و اقدامات را به سوی هدف دراز مدت جهت می‌دهد. انکشاف ملی مترقی، رشد اقتصادی و بلند بردن ظرفیت‌های بشری سبب می‌شود تا منافع و مصالح پالیسی ملی اجتماعی به شکل منظم و دوره ای تصحیح گردد و معیارهای زندگی افراد عمدتاً در معرض خطر بهبود یابد. پالیسی ملی اجتماعی هذا از نیمه سال ۱۳۹۶ هـ.ش تا نیمه سال ۱۴۰۰ هجری شمسی قابل اجرا و مدار اعتبار می‌باشد.

ضمیمه (۱) هدف و اصول پالیسی ملی اجتماعی رامفصل تشریح نموده است.

<sup>۱</sup> این موارد، بر بنیاد اسناد مؤثق و معتبر دولتی آماده شده و شامل مالیکت دولتی، مساوات و برابری، مشارکت اجتماعی، تقدم و اولویت خانواده، بهبود وضعیت زنان و توانمندی سازی آن‌ها، دست یافتنی و آینده نگری است. برنامه و سیستم تقاعد وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین به کمک مالی و تخنیک بانک جهانی اصلاح شده و اکنون دارای کارمندان مجرب، مسلکی و شایسته می‌باشد.

## ۲: مصالح، منافع و مشکلات پالیسی اجتماعی موجود

چنانچه افغانستان چندین پالیسی اجتماعی را جهت رسیدگی به افشار آسیب پذیر تدوین نموده است؛ اما بسیاری از این پالیسی‌ها به افشار و نهادهای خاص ساخته شده که موجودیت همچو پالیسی‌ها منعکس کننده زیان‌ها، حوادث طبیعی و ساخت دست انسان‌ها است و رفاه اجتماعی جمعیت بزرگی از مردم در معرض خطر قرار دارد. نهادها و ادارات یاد شده عبارت اند از: اداره مدیریت حوادث طبیعی، ریاست عمومی امور کوچی‌ها، وزارت مهاجرین و عودت کنندگان، وزارت اقوام و قبایل، وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین.

از جمله نهادهای فوق؛ وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین از بزرگترین و سابقه دار ترین وزارت‌ها به شمار می‌آید که مکلفیت‌ها و مسوولیت‌های تأمینات اجتماعی معاصر را به پیش می‌برد و برای شهروندان کشور تأمینات اجتماعی را فراهم می‌کند. تأمینات اجتماعی فوق الذکر عبارت از بیمه اجتماعی است که در کشورهای توسعه یافته برای کارمندان رسمی دولت پرداخته می‌شود. بیمه اجتماعی شامل توزیع پول تقاعد<sup>۱</sup> برای افرادی پرداخته می‌شود که در جریان کار معیوب، وفات یا تقاعد نموده‌اند یا برای زنان در دوره حاملگی استخدام مجدد و در آمد آن‌ها تضمین شده‌است. افزون براین؛ وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین مساعده‌های اجتماعی را برای کسانی که در جریان کار معلول شده‌اند یا این که در جریان خدمت کشته شده‌اند یا افراد ملکی که در جریان کشمکش‌ها و جنگ‌ها کشته شده‌اند، تأدیه می‌نماید که عبارت از پول نقد می‌باشد. باید گفت که تأدیه پول نقد به «سربازان معلول و خانواده‌های قربانیان» مانند پالیسی سایر کشورها صورت می‌گیرد.

علاوه براین، خدمات اجتماعی وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین شامل حقوق و امتیازات کارکنان است که هم اکنون در سکتور دولتی و خصوصی برای کسانی پرداخته می‌شود که در جریان کار زخمی یا صدمه دیده اند. همچنان شامل خدمات تخنکی مانند قوانین حمایت از کارکنان داخلی و کارکنان مهاجر<sup>۲</sup> و همچنان شامل تأمین روابط با اتحادیه‌های کارگری باشد. علاوه براین؛ وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین؛ خدمات مراقبت‌های اجتماعی را نیز فراهم می‌نماید که تمرکز اصلی آن روی اطفال می‌باشد. خدمات متذکره در بر گیرنده ایجاد مراکز و محلات مسکونی و فراهم نمودن زمینه آموزش و پرورش برای اطفال بی سرپرست می‌باشد. افزون براین؛ شبکه ملی محافظت از اطفال (CPAN) که از سوی دولت و نهادهای غیردولتی ایجاد شده، برای اطفال، خدمات حمایتی را انجام می‌دهند و از خشونت علیه اطفال، استفاده جنسی و استعمار و فراموش نمودن<sup>۳</sup> آن‌ها جلوگیری می‌نمایند.

برای اطفال کارمندان دولت<sup>۴</sup> و خانواده‌های شهر نشین در کودستان، برنامه‌های آموزشی پیش از مکتب را فراهم می‌نماید. وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین از خدمات سکتور خصوصی نیز نظارت می‌نماید. همچنان وزارت کار، برنامه‌های آموزشی کوتاه مدت را جهت ارتقای مهارت‌های<sup>۵</sup> کاریابی، افراد نیز راه اندازی می‌کند تا پیشرفت و تکامل معیارها و شرایط کاری را انکشاف دهد و تمامی برنامه‌های آموزشی در سطح ملی را معیاری سازد. قابل تذکر است که تمامی تدابیر و شیوه‌های ارتقای مهارت‌های کاریابی، در پالیسی ملی کار مطرح شده‌است. اقدامات جهت بالا بردن استخدام در پالیسی ملی کار طرح گردیده‌است.

باید گفت که در اسناد و قوانین دولتی، برنامه حمایتی از آن عده کهن سالانی که در معرض نابودی کامل قرار دارند، تذکر به عمل نیامده و این گروه از افشار آسیب پذیر شامل بیوه زنان طفل دار، خانواده‌های بی بضاعت، کهن سالان و افراد روانی می‌شود. برای همچو افراد خدمات ادغام مجدد و مسکونی در پنج مرستون

<sup>۲</sup> وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین؛ برنامه «سلام-SALAM» را به راه انداخته و هدف از این برنامه، حمایت از کارگران مهاجر است تا ایشان به اطلاعات، معلومات و فرصت‌هایی که در خارج از کشور برای شان مهیا می‌باشد، دسترسی پیدا کنند که شامل روند طی مراحل امور اداری چون اخذ ویزه، جواز کار و حمایت از شرایط کار بهتر برای آن‌ها در کشورهای خارجی می‌باشد.

<sup>۳</sup> مواردی چون سوء استفاده، استعمار، خشونت و فراموشی اطفال تا حدی از طریق راه اندازی برنامه‌های آگاهی دهی عامه قابل جلوگیری می‌باشد و باید همچو واقعات و حوادث به توجه شبکه‌های مربوطه رسانیده شود. ارزیابی مصونیت اطفال در افغانستان که توسط وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین و اداره حمایت از اطفال سازمان ملل متحد (یونسف) در سال ۲۰۱۷ راه اندازی شد. در این ارزیابی، نگرانی‌هایی؛ چون: اطفال کارگر، خشونت علیه اطفال و ازدواج‌های زیر سن، اطفال اولویت بندی شده‌است و درین اولویت بندی، اطفال معتاد به مواد مخدر و اطفالی که در تضاد و تناقض با قانون قرار دارند، در درجه کمی پایین تر قرار دارند.

<sup>۴</sup> کودستان‌ها همزمان دو کار را انجام می‌دهند؛ یکی حمایت از شغل و استخدام زنان و مردان در نهادها و ادارات دولتی، البته با اعانه و سهم کمتر، دوم: مراقبت از اطفال خانواده‌های کارگر شهری که ایشان در مصارف و هزینه تعلیم و تربیه سهم می‌گیرند، کمک و همکاری می‌کنند.

<sup>۵</sup> وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین برنامه‌های آموزشی غیررسمی کوتاه مدت را جهت ارتقای مهارت و ظرفیت کسانی که از سواد کافی برخوردار نیستند و یا این که بی سواد هستند، راه اندازی می‌کند و در عین حال وزارت معارف برنامه‌های آموزشی مسلکی و تخنکی دراز مدت را برای فارغان صنوف ۱۲ و پایین تر از آن راه اندازی می‌کند.

دولتی که در سال ۱۹۳۰ تأسیس شده، فراهم می‌گردد و مدیریت و مسولیت آن به دوش جمعیت هلال احمر افغانی<sup>۷</sup> می‌باشد.

از آن جایی که بسیاری از کشورهای از کشورهای با در آمد پایین، دارای اقتصاد غیررسمی می‌باشند؛ مانند بنگلادیش، و نیپال که روش فراهم نمودن رفاه اجتماعی در همچو کشورها متکی بر تدابیر و برنامه‌های غیررسمی است که به خاطر مصونیت اجتماعی روی دست گرفته می‌شود؛ مانند فواید عامه، پول های خلاف و انتقال اجناس و تولید در آمد. همچو تدابیر و برنامه‌ها از سوی دولت یا سکتورهای غیردولتی روی دست گرفته می‌شود و همچو اقدامات نیاز به تحقیق و شناخت سطح پوشش آن دارد. همچو اقدامات و تدابیر یکجانبه، مانع بزرگ سد راه شناخت و درک انسجام پالیسی و معیارهای عام و برابری می‌باشد.

خطراتی نیز وجود دارد که نمونه‌های کتگوری‌های مشخص معرفی گردیده که اگر قانون بر آن‌ها مهر تأیید بگذارد. پس بایکدیگر همخوانی نداشته و نیز به آسانی تعدیل و تنظیم نمی‌گردد. همچنان بسیاری از مساعده‌ها و کمک‌های بشردوستانه، پایدار نمی‌باشند؛ ولی روش‌هایی جهت انکشاف پایدار نیز وجود دارد. افزون بر این ما به فقدان معلومات در خصوص کارکرد و نتایج آن مواجه هستیم تا براساس آن، تحلیل<sup>۸</sup> و تجزیه اجتماعی صورت گیرد. موجودیت نهادهای متعددی مانع انکشاف سیستم متمرکز و ایجاد ظرفیت‌ها می‌شود. بناءً ادارات دولتی باید سیستم مدیریت جمع آوری معلومات را ایجاد نمایند تا بر اساس آن پلان‌گذاری صورت گیرد و مسایل کلیدی اجتماعی درک شود و سرانجام پایه‌های اساسی تدابیر تأمینات و خدمات اجتماعی<sup>۹</sup> را تشکیل دهد. اضافه بر این؛ باید دیدگاه رایج مردم نسبت به تعریف فقر تغییر کند، چون در حال حاضر تمام مردم فقر را تنها به مسایل اقتصادی خلاصه می‌کنند و ایجاد صندوق اعانه رفاه اجتماعی را یگانه راه حل می‌دانند. بناً همچو چالش‌ها مانع بزرگ فرا راه آگاهی مردم نسبت به مسایل بزرگ اجتماعی است و با همچو مشکلات نمی‌توان به مردم تفهیم کرد که مسایل اجتماعی چیست، کی‌ها شدیداً متأثر شده‌اند و چی باید کرد و چی نتایج را به دست باید آورد. اعتماد مردم نسبت به دولت و درک عامه خیلی مهم است و بدبختانه جامعه ما از این فرصت محروم است.

دولت اکنون به بسیاری از نگرانی‌های فوق پی برده و یکی از اهداف بزرگ پلان‌های موجود، ایجاد انسجام و هماهنگی در تمامی سکتورها است تا اقدامات و تلاش‌ها به شکل کامل عملی گردد و این مسئله نتایج پایدار را در پی دارد. با در نظر داشت تعهدات اهداف انکشاف پایدار باید گفت که تأکید اساسی روی مشارکت اجتماعی می‌باشد. در وضعیت موجود باید پالیسی اجتماعی چنان طرح و تدوین شود که فراتر از تعداد اقشار آسیب پذیر باشد و اعانه‌های رفاه اجتماعی باید باعث ایجاد چارچوب انکشاف پایدار برای برنامه‌های آینده شود.

پس پالیسی ملی، اجتماعی در خصوص تصمیم گیرندگانی که شایستگی را در تقویت بنیان‌های سیستم پایدار تأمینات اجتماعی می‌بینند، نیز تمرکز کرده‌است. تمرکز مشخص پالیسی هذا ناشی از تجزیه و تحلیل دو فرضیه است. نخست؛ منافع و تدابیر موجود که ممکن است منتج به ایجاد پالیسی ملی اجتماعی منسجم و هماهنگ شود که سرانجام اساسات طرح و توسعه سیستم تأمینات اجتماعی را تشکیل می‌دهد. دوم: یک نهاد واحد نیاز است تا از تطبیق و اجرای کامل پالیسی ملی اجتماعی هذا نظارت نماید.

### ۳: روش و چارچوب‌های تحلیلی

پالیسی ملی اجتماعی هذا، ابتکار وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین است و این پالیسی به ابتکار همین وزارت تدوین شده‌است. پالیسی هذا پس از یک سلسله بررسی، ارزیابی‌ها، مرور اسناد، تحقیقات گسترده، دیدگاه‌ها، همکاری دولت و سایر جوانب ذیدخل تدوین شده‌است. هر چند محتویات این پالیسی از قبل تعیین نشده بود؛ ولی پیش بینی شده بود تا بعد از تحلیل و تجزیه و تعبیر شواهد، منتج به طرح و تدوین این پالیسی گردد. منابع و مراجع کلیدی که به آن‌ها رجوع شده عبارت از قانون اساسی کشور، پلان‌ها و پالیسی‌ها، اساسات کرامت بشری اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنواسیون‌های بین المللی اصول و روش کلیه

<sup>۷</sup> مراکز مراقبتی (ARCS) - جمعیت هلال احمر افغانی) برای دو سال تمدید می‌شود و اقشار آسیب پذیر را آموزش داده و مهارت‌های مسلکی و تخنیکي آن‌ها را ارتقا می‌بخشد و کوشش می‌کند تا این طبقه دوباره در جامعه ادغام گردند. همچنان خدمات مراقبت دایمی را برای آن عده از افرادی آماده می‌کند که واقعاً نمی‌توانند به شکل مستقل زندگی خویش را به پیش ببرند.

<sup>۸</sup> به عنوان مثال: ملیون ها روزکاری مؤثر که توسط مردم عام دهات صورت می‌گیرد تا هنوز تعداد مستفین، مجموع در آمد حصول شده یا ظرفیت و مهارت‌هایی که بیش‌تر نیاز است، معلوم نیست.

<sup>۹</sup> صحت، آموزش و پرورش به شکلی از اشکال در تمامی خدمات مصونیت و تأمینات اجتماعی کشورهای پیشرفته موجود است؛ ولی مسکن و تهیه مسکن در سطح جوامع مجهز با آب‌های پایبی/ حفظ الصحه فلشی در همه کشورها معمول نیست و تاکنون به یک عرف و نورم مبدل نشده است.

سطوح توسعه بشری<sup>۱</sup> می‌باشد. این پالیسی با سه مقصد کلی تدوین یافته که عبارت اند از: i. ارتباط ii. تداوم iii. قابل حصول و دستیابی.

- **پالیسی ملی اجتماعی، مرتبط با شرایط افغانستان باشد:** این پالیسی، متناسب با شرایط افغانستان تدوین گردیده و باید در شرایط افغانستان قابل تطبیق باشد و نباید از کشورهای دیگر الگو برداری شده باشد، یا این که از سوی کشورهای بیرونی تحمیل شده باشد. باید آسیب پذیری متناسب با شرایط افغانستان و به گونه باز تعریف گردد تا مسایل آینده در روشنایی آن چارچوب، پالیسی و پلان‌های آینده طرح گردد و سرانجام منتج به ایجاد چارچوب مصونیت اجتماعی استراتژیک گردد.
- **پالیسی ملی اجتماعی باید دارای اهداف و ارزش‌های پایدار باشد:** اصل دیگر این است پالیسی ملی اجتماعی باید دارای ارزش پایداری باشد. به این معنا که از حیث تمرکز محتویات و ارتقای ظرفیت‌های نهادی باید دوامدار باشد.
- **پالیسی ملی اجتماعی باید قابل حصول و دست یافتنی بوده،** اجزای اصلی پالیسی ملی اجتماعی با توجه به منابع مالی موجود، قابل حصول و دست یافتنی باشد.

ضمیمه (۲) منابع استفاده شده و سهم‌گیری جوانب ذیدخل در خصوص طرح و تدوین این پالیسی را به شکل مفصل بیان نموده است.

#### ۴: تحلیل وضعیت موجود و پیشکش پالیسی‌های بدیل

با گذشت زمان، نیازمندی‌های افشار آسیب پذیر کتگوری (۲) کاهش می‌یابد و سرانجام ناپدید می‌شود: اگر پالیسی ملی اجتماعی روی آن تمرکز نماید، هیچ گونه ارزش پایدار به دست نمی‌آید و نه هم برای سکتور اجتماعی سودمند می‌باشد تا روی آن منابع کافی تخصیص داده شود. باید گفت که چارچوب انکشاف و صلح افغانستان، متعهد به کاهش فقر بوده و کاهش فقر در صدر اولویت‌های این چارچوب قرار دارد که توسط برنامه ۷۰:۳۰ به پیش برده می‌شود این برنامه به بخش‌های رشد اقتصادی و سکتور اجتماعی تقسیم شده است. افزون بر این؛ باید گفت که در چارچوب متذکره صراحت دارد: «افغانستان هنوز هم نمی‌تواند از عهدۀ شبکه‌های بزرگ ایمنی ملی یا برنامه‌های مالییه برآید». پس طرح و برنامه بزرگ که باید روی دست گرفته شود همانا شغل است، نه رفاه اجتماعی. بناءً پالیسی ملی اجتماعی باید طرح وسیع را جهت فراهم آوری رفاه اجتماعی برای مردم افغانستان آماده سازد.

هدف اساسی پالیسی ملی اجتماعی، آوردن تغییرات و بهبود وضعیت زندگی مردم افغانستان است. هر چند در این خصوص، فورمول مشخصی وجود ندارد تا مطابق آن به پیش رفت. از آن جایی که در عصر حاضر در امریکا تمرکز اساسی روی رفاه اجتماعی و جمع آوری اعانه‌است و ایالات متحده امریکا نمونه‌هایی از روش‌های جداگانه را پیشکش می‌نماید. برنامه توسعه اقتصادی فرانکلین روزولت که به نام «نیو دیل» یاد می‌شود، در سال ۱۹۳۵ اولین برنامه تأمینات اجتماعی را برای مردم امریکا معرفی کرد؛ ولی اولویت اساسی وی روی ایجاد فرصت‌های شغلی به شمول پروژه‌های عام المنفعه و تحرک اقتصادی بود. برنامه وی شامل ساخت واحد‌های مسکونی، ایجاد برنامه‌های ساده رهن و ایجاد طرح معیارهای ملی خانه سازی بود. سه دهه بعد، «لیندون جانسن» برنامه «جامعه بزرگ» را مطرح کرد که تمرکز اصلی آن روی فقرزدایی بود و در این خصوص، اقدامات عملی را روی دست گرفت تا گرسنگی، بی سواد و بی‌کاری در میان اقلیت‌ها و قشر فقیر را از بین ببرد، مبارزه با بی‌عدالتی نژادی را در اولویت‌های کاری خویش قرار داد و در این خصوص چهار قانون حقوق مدنی را به تصویب رساند. به تعقیب بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ میلادی، رهبران کشورهای اروپایی به شکل فعال در صدد بدیل‌های تدابیر اقتصادی کوچک شدند که سرانجام منتج به معرفی تدابیر رفاه اجتماعی و بهزیستی در این کشورها گردید. تذکر این موضوع در گزارش سالانه توسعه‌های بشری اجباری می‌باشد و همچنان این مطلب در برنامه مشارکت اجتماعی اهداف انکشاف پایدار سال ۲۰۳۰ نیز تذکر داده می‌شود.

<sup>۱</sup> تمام سطوح توسعه انسانی شاخص زندگی بهتر، شاخص غیر اقتصادی پیشرفت اجتماعی مربوط به سازمان توسعه و همکاری اقتصادی می‌شود و همچنان شامل جدول اشخاص دارای اولویت در کشورهای مختلف با سطوح توسعه انسانی مختلف و سایر مقیاس‌هایی که در گزارش سال ۲۰۱۶ توسعه انسانی برنامه انکشافی سازمان ملل متحد گنجانیده شده، می‌باشد و این مسئله وقف تمام برنامه «توسعه انسانی برای همه» شده است.

باید درک کرد که معیارهای فقر برای پالیسی اجتماعی پایدار خیلی سودمند می‌باشد. در پهلوی مشکلات اقتصادی که هم اکنون ۴۰ درصد از نفوس افغانستان زیر خط فقر به سر می‌برند (گزارش سروی شرایط زندگی در افغانستان در سال 2013/14)، در افغانستان فقر چند بُعدی حاکم بوده و این کشور بهترین مثال در بخش فقر چند بُعدی است. همچنان سطح محرومیت اجتماعی در این کشور خیلی وسیع است و حتا برنامه چارچوب انکشاف و صلح ملی، موجودیت وسیع محرومیت اجتماعی در جامعه افغانی را بزرگترین مانع سد راه برنامه انکشاف ملی می‌داند. علاوه بر این؛ سختی‌های غیرقابل قبول ناشی از عدم دسترسی به منابع اساسی مادی، رفاه و بهزیستی را به خطر مواجه می‌سازد. پس موجودیت فقر چند بُعدی در جامعه، صرف نظر از وضع اقتصادی افراد، مانع دستیابی به رفاه اجتماعی و بهزیستی است. بناً محرومیت‌های ناشی از دسترسی پایین به مواد و اقتصاد و جهات روزانه زندگی می‌تواند مانع دست یابی شهروندان به معیارهای رفاه اجتماعی و کرامت بشری شود. پس همه موارد فوق در برگزیده مسایل اجتماعی دارای اولویت می‌باشد. اقتشار و افرادی که به دلایل قلت ظرفیت فزینگی و ذهنی نمی‌توانند از فرصت‌های موجود استفاده نمایند، از نظر اجتماعی به نام «اقتشار یا افراد محروم» یاد می‌شوند که نیازمند مساعدت و همکاری خاص می‌باشند. پس به هر پیمانهای که پیشرفت می‌نماید به همان اندازه مسایل اهم اجتماعی کم یا بیش اهمیت پیدا می‌کند و اقتشار مربوطه ممکن است تغییر کنند.

منحیث جوهر اساسی پالیسی اجتماعی، مسایل فقر چند بُعدی با پلان‌های ملی درخور می‌باشد، چون پلان‌های ملی ابعاد مختلف توسعه بشری را درک و تشخیص می‌کند. مانند تجربه گرسنگی، سوء تغذی، فقدان و یا دسترسی محدود به خدمات اجتماعی، ترس از خشونت و تبعیض و عدم مشارکت در پروسه‌های سیاسی که در زندگی آن‌ها نقش دارد و حیات آن‌ها را شکل می‌دهد<sup>۱۱</sup>. بخش‌های آتی، مسایل اجتماعی دارای اولویت و اقتشار محروم را به ارزیابی می‌گیرد و همین دو مسئله اساس پالیسی ملی اجتماعی را برای سال‌های آینده تشکیل می‌دهد. البته با ارزیابی تدابیر و اقدامات موجود و سایر موضوعات که در کوتاه مدت و میان مدت این پالیسی را کمک می‌نماید و در پیشرفت و ترقی آن مفید واقع می‌شود.

## ۱.۴- مسایل کلیدی اجتماعی

### ۱.۱.۴- محرومیت اجتماعی

مسلماً که محرومیت اجتماعی از نظر تعداد آنانی که متأثر شده‌اند و تأثیر آن روی افراد جامعه، یکی از مهم ترین مسایل اجتماعی به شمار می‌آید. زنان ۴۹ درصد از نفوس افغانستان را تشکیل می‌دهند؛ ولی هر از گاهی با تبعیض جنسیتی و سرکوب رو به رو هستند و سنت‌های ناپسند سبب شده تا با زنان اینگونه برخورد صورت گیرد. همچو رفتار با زنان، خلاف اصول و موازین دین مبین اسلام می‌باشد و در مخالفت با ماده ۲۲ و ۵۴ قانون اساسی کشور قرار دارد. محرومیت اجتماعی زنان، شدیداً رفاه اجتماعی و بهزیستی آن‌ها را متأثر می‌سازد و حتا کرامت بشری و حق زندگی آن‌ها نادیده گرفته می‌شود. (۲۶٪ زنان، ۸۰،۵٪ مردان به اساس گزارش 7-2016 ALCS - گزارش نیمه نهایی) نادیده گرفتن آن‌ها در بازار کار شدیداً به رشد اقتصادی کشور لطمه وارد می‌نماید و روند رشد اقتصاد کشور را کند می‌سازد. همچنان نادیده گرفتن زنان در پروسه‌های تصمیم‌گیری کلان باعث به حاشیه راندن آن‌ها می‌شود و این کار باعث ضعف ملت ما می‌گردد.

- **تلاش‌های حکومت وحدت ملی:** حکومت وحدت ملی همواره تلاش نموده تا وضع زندگی زنان بهبود یابد و ایشان در برنامه‌های بزرگ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سهم بگیرند. حکومت وحدت ملی تلاش کرده است تا بر اساس استراتژی جندر<sup>۱۲</sup> که دارای پنج رکن می‌باشد، مشی آن را تقویت بخشد. برنامه یاد شده یک برنامه اقدام ملی است که به تاسی از قطعه نامه شماره ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد روی دست گرفته شده و دولت افغانستان مکلف است تا پایان سال ۲۰۱۷ گزارش خویش را در این مورد ارائه نماید. همچنان حکومت وحدت ملی برنامه ۱۵ ساله برنامه ملی دارای اولویت را به هزینه ۲۵۰ میلیون دالر امریکایی روی دست گرفته تا وضع اقتصادی زنان شهری و روستایی بهبود یابد.
- **پلان‌ها و اقدامات اضافی:** به خاطر حمایت از زنان کارکن و از این که زنان مراقبت خویش را خود به دست گیرند، حکومت وحدت ملی، برنامه‌های اضافی زیر را به زودی معرفی و تطبیق می‌نماید.
  - درخواست حقوقی جهت ایجاد مراکز مراقبت اطفال (بدون نرسری) با معیارهای پذیرفته شده ملی با جمله امور رسمی و غیر رسمی و با داشتن کارمند بخش انانث؛
  - انستیتوت‌های تخنیکی و مسلکی برنامه‌های آموزشی معیاری را برای مراکز مراقبت اطفال آماده

<sup>۱۱</sup> گزارش توسعه ای بشری سال ۲۰۱۶ «توسعه‌ای انسانی برای همه» که از سوی برنامه انکشافی سازمان ملل متحد منتشر شده است.

<sup>۱۲</sup> استراتژی جندر حکومت وحدت ملی که دارای پنج رکن می‌باشد، شامل تطبیق و اجرای تعهدات بین المللی؛ مانند حقوق، امنیت و آزادی از خشونت می‌باشد و همچنان حصول اطمینان از دسترسی زنان کشور به خدمات صحت، آموزش و پرورش در تمام سطوح می‌شود و اجرای تمامی تعهدات و تضمینی که در قانون اساسی کشور در خصوص بهبود وضعیت زنان در سکتور دولتی و خصوصی تذکر رفته است و همچنان توانمندی سازی زنان از نگاه اقتصادی از طریق برنامه ملی دارای اولویت.

می‌سازد تا مهارت‌های کارایی زنان ولایات کشور بلند برده شود.

- برنامه‌های آموزشی زنان تجدید نظر و مرور می‌شود تا از استثمار سایر زنان جلوگیری شود.
- **مدت نیازمندی:** این مسئله اجتماعی دراز مدت می‌باشد، اما به شکل دوره‌ای پیشرفت‌های آن تجدید نظر و ممکن است اولویت بندی آن مرور و دوباره تعیین گردد.

کتگوری دیگر که دچار محرومیت اجتماعی است عبارت از کسانی است که دارای توانایی‌های مختلف اند و از حوادث طبیعی و ساخته دست انسان‌ها متأثر شده‌اند. از نظر تاریخی این طبقه مردم همواره کمک‌های بشردوستانه دریافت می‌کنند و با تطبیق پلان‌های ملی همچو افراد به مسیر انکشاف آورده شده‌اند و در ذیل به آن می‌پردازیم.

#### ۲.۱.۴- دسترسی به خدمات اجتماعی اساسی

برای داشتن یک زندگی با عزت و مؤلف، نیاز است تا به خدمات اجتماعی اولیه؛ مانند: آب آشامیدنی، صحت، اصول بهداشتی، سرپناه و آموزش و پرورش دسترسی داشته باشیم. در این کشور بسیاری‌ها به خدمات فوق الذکر دسترسی ندارند. عمدتاً بی‌جا شدگان داخلی، آسیب دیدگان حوادث طبیعی<sup>۱۳</sup>، عودت کنندگان، افرادی که در ساحات مرزی و نقاط دور دست و ناامن زندگی می‌نمایند و آن‌هایی که به شکل طولانی در معرض خطر قرار دارند<sup>۱۴</sup>، از خدمات متذکره محروم اند. چارچوب انکشاف و صلح ملی افغانستان صراحت دارد که تا هنوز ۲,۵ میلیون عودت کننده رسماً ثبت و راجستر شده و تقریباً به عین تعداد که از پاکستان و ایران بازگشته اند، ثبت و راجستر نشده‌اند و برای آن‌ها سرپناه آماده نشده‌است. همچنان میزان بیجاشدگان داخلی به شمول کوچی‌ها بالغ به ۱,۲ میلیون نفر می‌شوند که از آنجمله ۵۸٪ اطفالی اند که تقریباً ۲۳۰,۰۰۰ تن از<sup>۱۵</sup> آن‌ها بیجا شدگان داخلی اند که توسط حوادث طبیعی متضرر می‌شوند و حدود ۸۳۵,۰۰۰ فرد دیگر به دلایل ناامنی، محل و منطقه خویش را ترک می‌کنند که تعداد هر دو سبب ممکن سالانه روز افزون گردد و حدود ۲۷۷,۰۰۰ خانواده دیگر در معرض فقر شدید به سر می‌برند. همچنان حدود ۸۰۰,۰۰۰ بیجا شدگان داخلی در کمپ‌های مؤقت زندگی می‌کنند و از سختی‌های غیرقابل قبول رنج می‌برند و هر لحظه زندگی آن‌ها به خطر مواجه است و زنان و اطفال در معرض خشونت، سوء استفاده جنسی و ازدواج پیش از وقت<sup>۱۶</sup> قرار دارند و همچنان مردان قادر به افزایش مهارت‌های کارایی و منبع در آمد خویش نیستند. از آن جایی که کمک‌های بشردوستانه برای اقشار فوق الذکر در مرحله اول خیلی حیاتی است و ما از برنامه حمایت از فامیل، سازمان ملل متحد قدردانی می‌کنیم؛ اما نیاز است تا راه حل‌های دوام‌دار و پایدار جستجو گردد و این موضوع در پالیسی اقشار آسیب پذیر تذکر رفته است.

- **تدابیر و برنامه‌های حکومت وحدت ملی:** حکومت وحدت ملی برنامه توزیع شهرک‌ها و زمین به بیجا شدگان داخلی را از طریق اداره مستقل اراضی آغاز نموده و این برنامه، تمام افراد بی سرپناه، عودت کنندگان و کوچی‌ها را شامل می‌شود. همچنان رکن دوم برنامه ملی دارای اولویت، جهت انکشاف شهرها و مسکن که شامل ترمیم و نوسازی مسکن‌های غیر معیاری و بی نقشه و توسعه خدمات اساسی شهری می‌شود. حوادث طبیعی منوط به برنامه و پلان‌ها و منابع بشردوستانه می‌شود که نیاز به حمایت سازمان ملل متحد دارد و مربوط به اداره حوادث طبیعی افغانستان می‌شود.
- **تدابیر و برنامه اضافی:** معیارهای تخنیکی مربوط به توزیع خانه، زمین و آب و اصول حفظ الصحة، نیاز است تا در چارچوب ملکیت یا کرایه، تعبیر و تفسیر شود تا براساس آن، یک پالیسی ستندرد یا حقوقی ایجاد شود و سپس با نمونه‌های مسکن اجتماعی ارتباط داده شود.
- **مدت نیازمندی:** برای همچو اقشار، حمایت میان مدت ادامه پیدا می‌نماید و باید سرعت بخشیده شود. البته در صورتی که منابع کافی موجود باشد تا دسته وسیعی از مردم به فرصت‌ها دست یابند و سرانجام مانند سایر شهروندان به خدمات اجتماعی دسترسی پیدا کنند؛ اما حمایت از قربانیان حوادث طبیعی، درازمدت می‌باشد. با وجود این، همچو مسایل برای دهه‌های متمادی باهم مرتبط باقی می‌مانند و دولت و شهروندان به شکل دوام‌دار در جستجوی بهبود کیفیت زندگی و ارایه خدمات می‌باشند.

همچنان بعضی از خدمات برای اقشار که حیات شان به دلیل عدم دسترسی یا عدم استفاده، پایین باقی می‌ماند، از جمله نگرانی‌های اصلی به شمار می‌آید. همچو خدمات عبارت از خدمات صحتی برای مادران است که حین زایمان آن‌ها فراهم می‌گردد و هم اکنون میزان مرگ و میر مادران در کشور ۷۰۰۰-۶۰۰۰ در هر ۱۰۰۰۰ تولد است و دلیل اش هم استفاده پایین خدمات مراقبتی پیش از زایمان می‌باشد. طبق آمار رسمی، ۶۵ درصد

<sup>۱۳</sup> « خلاصه پالیسی: پالیسی ملی بیجا شدگان داخلی- گروپ کاری پالیسی بیجا شدگان داخلی در کابل در سال ۲۰۱۵ و واضحاً ابراز نمود که بیجا شدگان داخلی از نظر ارایه خدمات اساسی و مسکن، در کتگوری دوم قرار گرفته اند و به حاشیه رانده شده اند.

<sup>۱۴</sup> تأثیرات مضر روی نوزادان و اطفال خورده‌سال در عدم موجودیت ولادت‌های مسلکی، فقدان تغذیه سالم، آب صحتی و حفظ الصحة و همچنان اطفالی که از فیض و برکت آموزش و پرورش و فرصت‌های دراز مدت محروم هستند.

<sup>۱۵</sup> منبع و مناخذ این موضوع و ارقام بعدی، «گزارش کوتاه نیازهای بشری در سال ۲۰۱۷» است که از سوی دفتر کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل در سال ۲۰۱۷ در کابل منتشر شد.

<sup>۱۶</sup> «شنبین صدای زنان و دختران که به شهرها بیجا شده اند» گزارش اداره مهاجران کشور ناروی در افغانستان، مارچ ۲۰۱۵.

از اتباع کشور به آب آشامیدنی صحی و مصنون دسترسی دارند و تنها ۷ درصد مردم کشور از آب‌های پمپ استفاده می‌کند و همین درصدی در خانه‌های شان پمپ نصب کرده‌اند. اصول حفظ الصحه نیز عقب مانده‌است (۴۰,۴ % ALCS 2016/17) به سیستم منظم تخلیه فاضلاب و تشناب‌ها تنظیم اند که از سال‌های ۲۰۱۳-۱۴ پیشرفت چشمگیری داشت. حدود ۷۳,۸ درصد شهر نشینان از محلات پرجمعیت استفاده می‌کنند<sup>۱۷</sup>. بناءً عدم دسترسی به خدمات اولیه<sup>۱۸</sup> زمینه را برای رشد و انتقال امراض مساعد می‌سازد و سرانجام این کار باعث مرگ و میر نوزادان (از هر ۱۰۰۰ نوزاد، ۴۵ تن آن تلف می‌شود) فراهم می‌نماید و همچنان از ۱۰۰۰ طفل زیر سن ۵ سال، ۵۵ تن آن از بین می‌رود<sup>۱۹</sup>.

همچنان دسترسی اندک مردم به آموزش و پرورش (مکتب دو کیلومتر فاصله دارد) به همین دلیل در دهات، دختران به دلیل دوری راه به مکتب نمی‌روند<sup>۲۰</sup>. همچنان مکاتب دهات نیاز به توسعه و ایجاد صنف‌های دوره متوسطه و ثانوی دارد<sup>۲۱</sup> تا از خلای جندر در نیروی بشری کشور جلوگیری شود. درحالی که نسبت حاضری آموزش و پرورش مطابق ALCS 2016/17 مشابه به سال ۱۴/۲۰۱۳ برای آموزش ابتدایی است. هر دو؛ پسر (۴۵,۲٪) و دختران (۲۳,۷٪) ۳٪ کاهش را برای سطح متوسطه نشان می‌دهند.

- **تدابیر و برنامه‌های حکومت وحدت ملی:** برنامه‌ها، استراتژی‌ها و پلان‌های عملیاتی ملی جهت فراهم آوری آب آشامیدنی و وسایل حفظ الصحه برای مردم دهات وجود دارد. وزارت صحت عامه، خدمات صحی را برای مادران و اطفال آماده کرده و برنامه‌های آموزشی قابلیت‌ها را برای مردم دهات فراهم کرده‌است و همچنان برنامه‌های آموزشی را برای مردمی که در حاشیه زندگی می‌کنند، نیز آماده ساخته است.

- **اقدامات و برنامه‌های اضافی:** تلاش‌هایی جدی جهت بهبود حفظ الصحه باید روی دست گرفته شود. هم اکنون نازندرا مودی، نخست وزیر هندوستان کمپانی را براه انداخته که به موجب آن، برای ۳۵ میلیون هندی تشناب‌های عصری اعمار می‌نماید. باید از برنامه‌ها و پیشرفت‌های وی استفاده شود. همچنان وزارت معارف باید تلاش‌ها را جهت فراهم آوری تعلیمات ثانوی برای دختران قرا و قصبات به دهد.

- **مدت نیازمندی:** موضوعات یاد شده، درازمدت خواهد بود تا دسترسی همه شمول به آن مهیا شود و کیفیت زندگی مردم بهبود یابد.

ضمیمه ۳، خلاصه بودجه سال ۱۳۹۶ برای تمام مسایل اجتماعی پالیسی است و همچنان بیانگر تلاش‌ها و خدمات اساسی اجتماعی و خدمت ملی برای اقشار محروم می‌باشد.

### ۳, ۱, ۴- بلند بردن مهارت‌های کاریابی

اصطلاح «**Employability**» به مفهوم بلند بردن سطح مهارت‌ها و ظرفیت‌های کاریابی افراد است که به اساس آن استخدام و تقرر صورت گیرد. باید گفت که این امر در شرایط افغانستان که عمدتاً بی سواد بی‌بیش‌تر است و فرصت‌ها محدود، خیلی صدق می‌کند. نظر به احصاییه ALCS 2016/17، سطح سواد میان بزرگسالان ۳۵,۳٪ در حالی که میان جوانان، پایین‌ترین رقم را در سطح ۵۳,۵٪ که از آنجمله ۶۷,۵٪ مردان و فقط ۳۸,۹٪ زنان را در برمی‌گیرد. همچنان این مسئله منعکس کننده هدف اصلی اداره مسوول است که مکلفیت اش ارایه تأمینات اجتماعی است نه ایجاد فرصت‌های شغلی.

همچنان پلان‌های ملی روی رشد اقتصادی و مولدیت بیشتر تمرکز دارد و در بسیاری موارد مداخله می‌کند تا مهارت‌های طبقه فقیر، بلند برده شود و فرصت‌های بیشتر برای آن‌ها فراهم گردد. همچنان برنامه‌های آموزشی و ظرفیت‌سازی روی افزایش کمیت و کیفیت فرصت‌ها تمرکز دارد و همچنان باید شرایط و مقتضیات، سروی و ارزیابی گردد تا مطابق معیار بازارهای نوظهور، مهارت‌ها و آموزش‌ها توسعه و برنامه ریزی شود. به این معنا که میکانیزم‌های جدید ارزیابی، تصدیق و اعتبار دهی نتایج آموزش‌ها ایجاد شود و ادارت دولتی مربوطه به سطح ملی و محلی تقویت شوند و باید مهارت‌های نرم اقشار نیازمند نیز تقویت گردد تا متقاضیان را حین درخواست و سپری نمودن مرحله آزمون و مصاحبه کمک نماید.

<sup>۱۷</sup> در ماه اپریل ۲۰۱۷ وزارت صحت عامه افغانستان سروی دیموگرافی صحت را در سراسر کشور راه اندازی نمود و در این سروی آمده است که مرگ و میرمادران در جریان ولادت‌ها رو به افزایش است. در این سروی آمده است که ۵۹ درصد از زنان در جریان ولادت از مهارت‌های مسلکی و خدمتکار استفاده می‌کنند؛ ولی تنها ۱۸ درصد از زنان حامله، چهار مرتبه پیش از ولادت نزد داکتر می‌روند و خود را چک می‌کنند؛ اما تعقیب و چک مادران و نوزادان در جریان ولادت‌ها خیلی ضعیف است.

<sup>۱۸</sup> اداره مرکزی احصاییه، وزارت صحت عامه افغانستان و سازمان ICF. " سروی دیموگرافی صحت افغانستان در سال ۲۰۱۵ " اداره مرکزی احصاییه. سال ۲۰۱۷ کابل- افغانستان. فصل ۱۲ این سروی وضعیت موجود مسکن و تهیه مسکن در افغانستان را تشریح نموده است.

<sup>۱۹</sup> قابل ذکر است که در سروی دیموگرافی صحت افغانستان گفته شده‌است که میزان تناسب و آمار ذکر شده در این سروی ممکن است ضعیف و ناقص باشد، پس به تحلیل و بررسی بیشتر نیاز است.

<sup>۲۰</sup> وزارت معارف افغانستان: بررسی و ارزیابی سکون معارف در کشور- جنوری سال ۲۰۱۶.

<sup>۲۱</sup> پیشنهاد پروژه دوم «گام‌هایی به سوی موفقیت دختران افغان در بخش تعلیم و تربیه»- بنیاد آغاخان، سال ۲۰۱۷.



- **تلاش‌ها و اقدامات حکومت وحدت ملی:** برنامه‌های حکومت وحدت ملی، شامل توسعه انستیتوت‌های مسلکی، فنی و حرفوی است و برای توسعه آن از مدل جرمنی استفاده می‌کند و در این انستیتوت‌ها عمدتاً عودت کنندگان، بی‌جا شدگان داخلی، **کارگران مهاجر که در پالیسی و برنامه جدید وجود دارد**، افراد معلول و ۴۰۰۰۰۰ افرادی که سالانه داخل بازار کار می‌شوند، جذب می‌گردد و یا مجبور به مهاجرت در بیرون شده و یا به قطعات نظامی می‌پیوندند. **اقدامات و تدابیر مربوط به این موضوع در پالیسی ملی کار به گونه مفصل بیان شده است.** سرمایه گذاری هنگفت روی تقویت و ثمریت زنان - WEE (NPP) و برداشتن هرگونه موانع سد راه پیشرفت آن‌ها صورت می‌گیرد.

#### اقدامات اضافی:

برنامه‌های آموزش مهارت، واقعیت عملی شاگردان را که اضافه از یک منبع عایداتی درآمد دارند و باید یکی آن تطبیق گردد را شناسایی نمایند.

- ایجاد سیستم معلوماتی منظم بازار کار جهت دیتای منظم و تازه و دسترسی وزارت کار و امور اجتماعی به آن.

- تعاریف استاندارد تمام دیتاهای آماری مرتبط به کار (و دیگر) با هماهنگی میان منابع ملی و استانداردهای بین المللی مورد توافق و در میان همه ادارات ملی قرار می‌گیرد، مگر این که موافقت شود که در این زمان برای افغانستان نامناسب تلقی شود.

- خشونت علیه اطفال توسط بخش عدلی، سهم قابل توجهی از موارد قضایای ۲۰۰۰ یا بیشتر در سال مورد رسیدگی توسط CPAN قرار می‌گیرد. (به بخش ۱ رجعت دهی کنید). نگرانی‌های اصلی شامل جرمه، جرم وجنایت اطفال برای جرایم غیرممکن است. این‌ها شامل «جنایات اخلاقی» توسط دخترانی است که از خشونت و سوءاستفاده خانوادگی ویا اجتناب از ازدواج صورت می‌گیرد ۳۱، و اطفال مجبور به انجام جنایات توسط قاچاق‌چیان یا آدم ربایان هستند که آن‌ها را وادار به اقدامات جنایت‌کارانه خود با مجازات می‌سازند. همچنین شواهدی از بازداشت طولانی و غیرقانونی کودکان وجود دارد که جهت درازا بودن روند، در بند می‌مانند.

- **تلاش‌ها و اقدامات اضافی:** برنامه‌های آموزشی به راه انداخته می‌شود تا ظرفیت‌ها و مهارت‌های عملی کارآموزان تشخیص شود و آن‌ها بتوانند از منابع مختلف در آمد استفاده نمایند و این کار نیاز به مهارت‌های بیشتر دارد.

معلومات نیاز است تا مطابق آن تحلیل و ارزیابی اجتماعی صورت گیرد و از تمام برنامه‌های بزرگ ملی به شمول تعداد مستفید شوندگان اقشار معلول، بی جاشدگان داخلی، عودت کنندگان و بیوه زنان و خانم‌های خودسرپرست معلومات خواسته شود تا تلاش‌ها تأثیر گزار باشند. همچنان برنامه‌های عام المنفعه نشان خواهد داد که کدام اقشار از برنامه‌های عام المنفعه مستفید شده‌اند و اوسط در آمد آن‌ها چقدر بوده است و باید کدام برنامه‌های آموزشی راه اندازی شود تا مهارت‌های آن‌ها تقویت و ایشان را در حصة امرار معاش کمک نماید.

- **مدت نیازمندی:** افزایش مهارت‌های تعدادی کسانی که آماده کار هستند و باید روی بلند بردن ظرفیت‌ها و مهارت‌های آن‌ها سرمایه گذاری درازمدت صورت گیرد و باید واقع‌بینانه و مطابق نیازهای بازار کار باشد و در این امر روی زنان و قشر فقیر نیز تمرکز شود.

## ۴،۱،۴- خشونت علیه اطفال و زنان

خشونت علیه زنان، بخشی از دغدغه روزمره مردم ما به شمار می‌آید؛ ولی این مسئله در ناامنی آنقدر نقش ندارد. خوشبختانه موضوع خشونت علیه زنان، به ویژه خشونت خانوادگی به درستی تشخیص گردیده و در برنامه و استراتژی‌های جندر و برنامه‌های عملی دولت گنجانیده شده است. (برای معلومات مزید لطفاً به بخش ۴،۱،۱ رجعت دهی شود).

- **تدابیر و اقدامات حکومت وحدت ملی:** حکومت وحدت ملی، تلاش‌های زیادی را به خرج داده و در این برنامه، اصلاحات قانونی و حقوقی گنجانیده شده است که مطابق قانون اساسی افغانستان و دستورالعمل‌های بین المللی می‌باشد. همچنان از تعهدات حکومت وحدت ملی یکی هم ارایه خدمات تعاونی برای زنان (چارچوب ملی صلح و رفاه افغانستان و سند تعهد متقابل-SMAF)<sup>۲۲</sup> است و هم چنان ایجاد مراکز حمایتی برای قربانیان زن است. از برنامه‌های دیگر حکومت وحدت ملی تصویب و

<sup>۲۲</sup> تعهد شماره پنجم کنفرانس بروکسل تحت نام «خوبکفایی از طریق چارچوب حساب‌دهی» از دولت افغانستان خواسته شد تا محکمه خاص به خاطر رسیدگی به خشونت علیه زنان ایجاد گردد و در ۳۴ ولایت کشور نیز شعبات آن ایجاد شود و تمام کارمندان آن باید از طبقه انانث استخدام و تقرر شوند. طبق تعهدات کنفرانس بروکسل، باید تا ماه دسمبر سال ۲۰۱۷ این محکمه ایجاد شود و در ۱۵ ولایت کشور شعبات آن نیز بازگردد و بقیه شعبات آن در ولایات متباقی تا یک سال آینده ایجاد شود و باید معاشات خائروالان و قضات زنان نیز افزایش یابد.

منظوری قانون محو خشونت علیه زنان است که هم اکنون به تعویق افتاده و باید تلاش‌ها سرعت بخشیده شود تا این قانون منظور و تصویب گردد.

خشونت علیه اطفال در سطح ملی آن قدر بلند نیست. طبق گزارش اداره سروی کلستر چندگانه افغانستان، افغانستان میان سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ نشان می‌دهد که ۷۴٫۴ درصد از اطفال بین سنین ۲ تا ۱۴ سال از طرف اعضای خانواده خویش مورد خشونت فیزیکی و روانی قرار گرفته است. همچنان سروی شرایط زندگی در افغانستان در بین سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ گزارش داده که ازدواج‌های زیر سن ۱۶ سال، کاهش یافته؛ ولی هنوز هم در میان زنانی که سن شان بین ۲۰-۲۴ سال است ۱۲ درصد باقی مانده است. این مسئله یکی از نگرانی‌های اصلی به شمار می‌آید؛ چون با خشونت خانوادگی ارتباط دارد و به گونه همیشگی و پیش از وقت باعث ایجاد خطر برای زندگی، صحت، سوء تغذی و از دست دادن درس، تعلیم و کار می‌شود و مادرها نیز کار و وظیفه خویش را از دست می‌دهند و سپس اطفال شان کم وزن، سوء تغذی و از رشد کافی محروم باقی می‌مانند و در واقع همچو پیامدها، هزینه‌های هنگفتی را به دوش ملت می‌گذارد.<sup>۲۳</sup> از سوی دیگر گروه‌های مخالف به سربازگیری افراد زیر سن ادامه می‌دهند.<sup>۲۴</sup> با وجودی که ابتکارات و تلاش‌های نیروهای ملی افغان حکایت دیگر دارد.<sup>۲۵</sup> گزارش ماه سپتمبر سال ۲۰۱۶ نشان می‌دهد که نیروهای پولیس ملی افغانستان نیز به دلیل فقدان کارت هویت نیز به این کار ادامه می‌دهند. هرچند کار شاقه و خطرناک؛ مانند خشت‌مالی<sup>۲۶</sup> و استنمار اطفال در قانون منع شده است؛ ولی هنوز هم این کار در کشور ادامه دارد و هم اکنون ۲۷ درصد از اطفال بین سن ۵ تا ۱۷ که حدود ۲٫۵ میلیون تن<sup>۲۷</sup> می‌شود و ۱۱۴۰۰۰ تن آن پسر و ۱۸۰۰۰ تن آن دختر است، به انجام کارهای شاقه مصروف اند و ۴۳ ساعت در هفته کار می‌نمایند.<sup>۲۸</sup>

نهادهای عدلی نیز خشونت علیه اطفال را ارزیابی کرده اند و آمار و ارقام آن‌ها نشان می‌دهد که سالانه شبکه ملی حفاظت از اطفال به ۲۰۰۰ قضیه و دوسیه از این قبیل رسیدگی می‌کنند. ( برای معلومات بیشتر به بخش ۱ رجعت دهی گردد). نگرانی‌های اصلی عبارت از تبعیض و توقیف غیرواقعی علیه اطفال است. از جمله می‌توان به جرایم اخلاقی<sup>۲۹</sup> علیه دختران اشاره کرد که آنان به دلیل خشونت‌های خانوادگی فرار می‌کنند و جرایمی که از سوی قاچاق‌بران و اختطاف‌چیان بر اطفال تحمیل می‌شود. شواهد نشان می‌دهد که بسیاری از اطفال به شکل غیرقانونی تحت توقیف قرار دارند و به نسبت طی مراحل قانونی و رویه نامناسب مسوولان و ادارت مربوطه، دوسیه و قضایای آن‌ها ارزیابی نمی‌شود.<sup>۳۰</sup> به هر پیمان‌های که اعتماد و باور مردم به دستگاه‌های قضایی<sup>۳۱</sup> کاهش می‌یابد، به همان اندازه دستگاه‌های قضایی غیررسمی و سنتی ایجاد می‌شود و از قانون جزای اطفال استفاده نمی‌شود و بدین ترتیب، مصالح علیای اطفال نادیده گرفته می‌شود و علیه زنان نیز تبعیض صورت می‌گیرد.<sup>۳۲</sup>

• **اقدامات و تلاش‌های دولت و حدت ملی:** قانون اطفال تدوین شده و منتظر منظوری، تصویب و توشیح آن از سوی رییس جمهور و پارلمان افغانستان است و در این قانون، تقویت عدالت برای اطفال و ایجاد سیستم‌های مصونیتی برای آن‌ها پیش بینی شده است.<sup>۳۳</sup> وزارت معارف نیز پالیسی ای را برای معلمان به تصویب رسانیده که مطابق آن، هیچ آموزگاری حق ندارد که در داخل صنف علیه اطفال دست به خشونت و لت و کوب آن‌ها بزند. همچنان پلان عملی جدید جهت کاهش اطفال کارگر در بخش قالین باقی روی دست گرفته شده، معیارات و تعهدات مشخص در اهداف انکشاف پایدار برای افغانستان تذکر رفته که از سوی وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین به پیش برده می‌شود.

<sup>۲۳</sup> لطفاً مراجعه گردد به گزارش ودن، ق. س، میل، ای.، انگروا، ای. سوادگو، ای. بدان، جی. ایمیدس، ای. کس، ان. جان، ال. مورثی، ام. سینهاس و اس. پترونی. زیر نام «تأثیرات اقتصادی از دواج اطفال»: گزارش ترکیب جهانی. واشنگتن دی سی: بانک جهانی و مرکز بین المللی تحقیق و پژوهش در باره زنان، سال ۲۰۱۷

<sup>۲۴</sup> لطفاً مراجعه گردد به گزارش معلومات در باره کشور مبداء: جلب و جذب افغان‌ها از سوی گروه‌های مسلح- دفتر حمایت از پناهندگان اتحادیه اروپا- ماه سپتمبر سال ۲۰۱۶.

<sup>۲۵</sup> به شمول صدور فرمان تقنینی رییس جمهور که در سال ۲۰۱۱ در باره عدم جلب و جذب افراد زیر سن و نقشه راه سازمان ملل متحد و دولت جمهوری اسلامی افغانستان در سال ۲۰۱۴ جهت پایان دادن به جلب و جذب اطفال از سوی گروه‌های مسلح، همچنان تلاش‌های وزارت امور داخله افغانستان جهت استخدام و تقرر افراد پیش‌تر در اداره ثبت و احوال نفوس به خاطر ثبت و راجستر نمودن نوزادان و عرضه خدمات کارت تولد برای نوزادان.

<sup>۲۶</sup> دفن در زیر خشت: در بند کار و بار در افغانستان؛ گزارش سازمان بین المللی کار، سال ۲۰۱۱.

<sup>۲۷</sup> گزارش «سروی شرایط زندگی در افغانستان در جریان سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴» این گزارش در سال ۲۰۱۵ از سوی اداره مرکزی احصائیه افغانستان منتشر شد.

<sup>۲۸</sup> طرح و ارزیابی سیستم مصونیت اطفال در افغانستان: نقاط قوی، چالش‌ها و سفارش‌ها در جریان سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶. «گزارش وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین و صندوق حمایت اطفال سازمان ملل (یونیسف)، سال ۲۰۱۷».

<sup>۲۹</sup> باید فرار میکردم: زندانی نمودن زنان و دختران بخاطر «جرایم اخلاقی» در افغانستان: دیدبان حقوق بشر افغانستان. برج مارچ سال 2012

<sup>۳۰</sup> ارزیابی حقوق و عدالت اطفال در افغانستان- ک. موتلی/ نیر دیس هومس. سال 2012 کابل- افغانستان.

<sup>۳۱</sup> بنیاد آسیا گزارش «سروی وضعیت مردم افغانستان در سال ۲۰۱۶» در این گزارش آمده است که اعتماد مردم به شورا‌های محلی نسبت به محاکم افغانستان پیش‌تر است؛ چون سروی شونندگان گفته اند که شورا‌های محلی نسبت به محاکم افغانستان منصفانه و قابل اعتماد است. از جمله سروی شونندگان ۸۴ درصد آن‌ها گفته اند که شوراها نسبت به محاکم دولتی بهتر است و تنها ۶۴ درصد به محاکم افغانستان اعتبار دارند. همچنان ۷۲ درصد در برابر ۵۷ درصد از هنجارهای مردمی استفاده میکنند و همچنان ۷۱ درصد در برابر ۴۹ درصد سروی شونندگان گفته اند که شوراها نسبت به محاکم افغانستان عادلانه تر اند و گفته اند که شوراها در رایه عدالت بیشتر و مؤثر هستند. در این گزارش همچنان تذکر رفته است که ۸۹٫۶ درصد از مردم دهات و روستاها مسایل و مشکلات خویش را از طریق شورا‌های محلی حل و فصل می‌کنند.

<sup>۳۲</sup> «عدالت از چشم دید زنان افغان» گزارش مشترک یوناما و دفتر کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل مستقر در افغانستان، کابل- افغانستان، اپریل سال ۲۰۱۶.

<sup>۳۳</sup> این موضوع در کنفرانس بروکسل در سال ۲۰۱۶ مورد تائید قرار گرفت؛ معینیت کار وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین؛ به زودی پلان عملی را در این مورد روی دست می‌گیرد.

- **تلاش‌ها و اقدامات اضافی:** استراتژی ملی ارتباطات شامل تقبیح و در هرگونه خشونت از جمله منازعه‌خشن، بحث و گفتگوی خشن، خشونت علیه زنان و اطفال می‌شود و این استراتژی، اثرات بد و منفی؛ مانند خشونت‌ها بالای افراد، خانواده‌ها و جامعه و انکشاف را بیان نموده و همچنان راه‌های بدیل رفتاری را نیز سفارش نموده‌است. شاخص‌های نتایج نیز در سطح و لایات و محلات ارتباط داده می‌شود و همچنان پیشرفت‌های مخصوص اطفال مانند «شاخص زندگی بهتر» نیز نظارت و پیگیری می‌شود. (برای معلومات بیشتر به بخش ۴,۱,۶ رجعت دهی گردد.) همچنان سیستم تفتیش و ارزیابی از اطفال کارگر نیز معرفی می‌شود که این سیستم شامل ارتقای ظرفیت نیروی بشری در سطح و لایات نیز می‌شود و این کار در همکاری با فعالان نهادهای جامعه مدنی صورت می‌گیرد.
- **مدت نیازمندی:** فرهنگ خشونت در کشور ما ریشه دوانیده و ریشه‌های آن خیلی عمیق است، پس مبارزه علیه آن نیازمند تلاش‌ها و برنامه‌های درازمدت می‌باشد.

#### ۴.۵.۱- دسترسی به معلومات و توانمند سازی زنان

از نظر انستیتوت نظارت از انکشاف، در کشورهای ورشکسته، ارتقای ظرفیت افشار و افراد به منظور این که صدای خویش را بلند نمایند، از جمله اساسات دموکراسی به شمار رفته و جوهر اصلی "تغییر" بحساب می‌آید. بنا باید اقدامات جدی در این راستا روی دست گرفته شود. در پهلوی این، باید تدابیر مصونیت اجتماعی<sup>۲۴</sup> منجمله بیمه اجتماعی، مساعدت‌های اجتماعی، شبکه‌های ایمنی، گسترش برنامه‌های فواید عامه، کریدت‌های کوچک و زمینه در آمد زایی نیز ایجاد شود.

- **برنامه‌ها و تلاش‌های حکومت وحدت ملی:** برنامه دولت تا سطح قرا و قصبات تطبیق گردیده و هم اکنون اعضای شورای انکشاف محل به شکل آزاد انتخاب می‌گردد و زنان و مردان در تصمیم‌گیری‌ها سهم می‌گیرند. برنامه میثاق شهروندی نیز برای مردم محل میکانیزم‌ها، کارشویه‌های نظارتی و عرضه خدمات اجتماعی اولیه را ارایه نموده‌است. تا چهار سال آینده، ۱۲۰۰۰ محل که از سوی برنامه میثاق شهروندی تشخیص و تحت پوشش قرار گرفته به آب صحتی پاک، آموزش و پرورش با کیفیت در مکاتب دولتی و داشتن استادان و مامورین صحتی و کلینیک‌ها دسترسی می‌داشته باشند و باید گفت که برنامه صحتی و حفظ الصحه توسط بسته خدمات صحتی به پیش برده می‌شود. همچنان فعالیت‌های دیگر نیز صورت می‌گیرد که می‌توان به منابع برقی قابل تجدید در ساحات دور دست و ساخت جاده‌ها و زیربنایهای کوچک آبرسانی و فاضل آب اشاره کرد. تا سال ۲۰۲۶ بسته کامل این خدمات به تمام مردم افغانستان فراهم می‌گردد.

هرچند، نمایندگی و شنیدن صدای زنان آنقدر محسوس نمی‌باشد؛ ولی زنان شهری در این بخش دست آورد داشته‌اند؛ اما نقض حقوق اطفال همچنان ادامه می‌یابد، چون اطفال در سلسله اجتماعی حق سخن گفتن را ندارند و سخن آن‌ها نیز شنیده نمی‌شود. مانع بزرگ سد راه بعضی‌ها به ویژه فقرا، فقدان معلومات در باره حقوق شان است البته به شیوه‌ای که دوستانه باشند و قشر بی‌سواد از این ناحیه خیلی‌ها رنج می‌برد<sup>۲۵</sup>.

- **تلاش‌ها و اقدامات اضافی:** استراتژی ملی ارتباطات، چارچوب را جهت آموزش برنامه حقوق بشری آماده می‌سازد و آن را چنان تدوین می‌نماید که به زندگی یومیه مردم ارتباط داشته باشد و مخاطبان خاص را هدف قرار می‌دهد و همچنان میکانیزم‌های پاسخگویی و حسابدگی آن را در میان ادارت دولتی نیز ایجاد می‌نماید. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در بودجه سال ۱۳۹۶ برنامه آگاهی عامه را در این خصوص گنجانیده و این اداره در هماهنگی با سایر سکتورها، پلان عملی جامع را تدوین می‌نماید که مصرف آن کم؛ و لی به توده بزرگی از مردم برسد و تأثیرات اش فراگیر باشد.
- **مدت نیازمندی:** این اقدام، نیازمند یک برنامه درازمدت است و باید به شکل معقول با مسایل ملی دارای اولویت افشار محروم ربط داده شود.

#### ۴.۱.۶- پایداری مسایل اجتماعی

طرح و تدوین یک چارچوب پالیسی اجتماعی پایدار، زمانی مفید و قابل حصول است که فقر زدایی در محراق توجه آن قرار داشته باشد. طوری که در ذیل تذکر رفته به هر پیمان‌های که انکشاف به پیش می‌رود به همان اندازه شاخص‌ها تغییر می‌کند.

- گزارش توسعه بشری سال ۲۰۱۶، انکشاف بشری را درکشورها به سه کتگوری؛ پایین، متوسط و بلند، رتبه بندی کرده و در این رتبه بندی، به ۷ نگرانی اصلی دست یافته است. آموزش و پرورش از جمله اصلی ترین نگرانی در میان تمام کشورها است. ثانیاً صحت در میان کشورهای رتبه پایین و متوسط در

<sup>۲۴</sup> «خدمات مصونیت و تأمینات اجتماعی در دولت‌های ضعیف و شکننده» هاروی، پی. ر. هولمز، رسلتر و ای. مارتین. انستیتوت انکشافیون مرزی، لندن- نوامبر ۲۰۱۷.

<sup>۲۵</sup> حدود نصف مردان و بیشتر از ۸۰ درصد از زنان.

درجه دوم قرار دارد و همچنان موضوع صحت در کشورهای با درآمد بلند و خیلی بلند در درجه سوم و چهارم قرار دارد. افزون بر این؛ آب آشامیدنی پاک و حفظ و الصحه در میان کشورهای با درآمد خیلی بلند، در درجه سوم قرار دارد.

- براساس گزارش سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، شاخص زندگی بهتر در کشورهای انکشاف یافته توسط خود افراد ارزیابی شده و شامل مسکن، تشناب‌های فلش دار، آب آشامیدنی پاک، کیفیت آموزش و پرورش، صحت، شبکه‌های حمایت از اجتماع و مصونیت و کار می‌شود.
- شاخص پیشرفت اجتماعی، سهم‌گیری تمامی کشورها در مسایل اجتماعی و محیط زیست شهروندان شان را به ارزیابی گرفته است. پیشرفت اجتماعی در آن چنین تعریف شده است: «پیشرفت اجتماعی عبارت از ظرفیت رسیدگی و پوره نمودن نیازمندی‌های اولیه شهروندان است. باید کارهایی صورت گیرد که به شهروندان و مردم محل اجازه دهد تا کیفیت زندگی خویش را حفظ کنند و تقویت بخشند و شرایطی را ایجاد نماید که تمام افراد به ظرفیت و پوتانسیل کامل خویش دست یابند.» ۵۴ شاخص آن عملکرد، نیاز اساسی و اساسات رفاه اجتماعی و فرصت‌های پیشرفت را زیر نظر دارد که شامل صحت، سرپناه، حفظ الصحه، مساوات، مشارکت اجتماعی، آزادی فردی، پایداری و مصونیت می‌شود. در سال ۲۰۱۵ افغانستان در مسایل فوق در بین ۱۳۴ کشور جهان رتبه ۱۳۱ را از آن خود نمود.
- کشور پاراگوای، رفاه اجتماعی را در محراق پلان انکشاف ملی خویش قرار داده که براساس برنامه اهداف انکشاف پایدار تا سال ۲۰۳۰ به آن دست می‌یابد. ضمیمه ۴، به جزییات به این منابع پرداخته است.

**برنامه و اقدامات اضافی:** شاخص بهزیستی و رفاه اجتماعی افغانستان توسعه داده می‌شود تا از پیشرفت همچو مسایل اجتماعی نظارت شود. این شاخص به فارمت ساده و واقعی آماده می‌شود. شاخص اولیه پیشرفت ملی را به ارزیابی می‌گیرد و با نهادهای ملی در میان گذاشته می‌شود و سپس از طریق اطلاعات جمعی با مردم افغانستان شریک ساخته می‌شود. در گام بعدی در سطح ولایات تلاش می‌شود تا از برنامه ریزی های محلی پشتیبانی شود و حمایت پارلمان را نیز داشته باشد. سرانجام توسط شوراهای انکشاف محلی مورد استفاده قرار گیرد و این شاخص به شکل خیلی ساده و مناسب با حال و احوال اطفال و غیره آماده می‌شود تا خودشان معلومات را زیرنام «جامعه ما، اطفال ما» جمع آوری نمایند و پیشرفت‌های خویش را خودشان نظارت و ارزیابی نمایند. این برنامه از طریق شیوه‌ها و روش‌های مناسب، شریک سازی از طریق رسانه‌های داخلی، رای دهی از طریق موبایل به پیش برده می‌شود و سرانجام برای اجتماع و محل برنده جایزه کوچک اعطا می‌گردد.

## ۲، ۴- معلولیت اجتماعی

دین مبین اسلام و قانون اساسی کشور، به ویژه ماده ۵۳ و ۵۴ کمک به معلولین و محرومین اجتماعی مانند؛ بیوه زنان و ایتم و کهن سالان و معلولین را تشویق نموده و همکاری با آنها را از جمله مسوولیت‌ها و مکلفیت‌های ما دانسته است.

- **تلاش‌ها و برنامه‌های حکومت وحدت ملی:** بر علاوه اقدامات و تدابیری که قبلاً روی دست گرفته شده، دولت پلان دارد تا همچو اقتشار محروم را زیر پوشش گسترده قرار دهد. در چارچوب صلح و انکشاف ملی افغانستان آماده است: «برنامه میثاق شهروندی ظرفیت شوراهای انکشاف محلی را بالا می‌برد و شیوه‌های پاسخگویی و حسابدهی را ایجاد می‌نماید تا اطمینان حاصل نماید که اقتشار و افراد آسیب پذیر؛ مانند: زنان، عودت کنندگان، بیجا شدگان داخلی، بیوه زنان و افراد معلول، در پروسه‌های انکشافی و توسعه‌ای دخیل و شریک ساخته شود».
- **برنامه و اقدام اضافی:** ابتکار فوق در تمامی برنامه‌های ملی وزارت احیا و انکشاف دهات، وزارت زراعت، آبیاری و مالداری؛ برنامه ملی دارای اولویت گنجانیده می‌شود و ایشان باید در خصوص تعداد و کتگوری‌های اقتشار آسیب پذیر معلومات ارایه نمایند (به بخش ۳، ۱، ۴ رجعت دهی گردد). بر علاوه توسعه پلان‌های میثاق شهروندی، شوراهای انکشاف محلی تشویق می‌شوند تا برنامه‌های مصونیت اجتماعی سنتی را به پیش ببرند: مانند: جمع آوری عشر، نکات، صدقات و خیرات. این مسایل در درازای تاریخ، منبع تمویل و حمایت خانواده‌های افغان بوده و جمع آوری همچو صدقات در گذشته‌ها تنها منبع حمایت مالی فرا و قصبات به شمار می‌آمد. همچنان اقدامات دسته جمعی جهت رسیدگی و کمک به نیازمندان تشویق می‌گردد و افراد نیک مکافات می‌شوند تا در میان مردم الگو باشند و برای همچو افراد جایزه‌های کوچک به سطح محل اعطا می‌گردد. وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین و وزارت امور زنان، برنامه «ارزیابی نخستین و ادارات مرجع» را ایجاد می‌نمایند و در این برنامه برای اقتشار و افراد آسیب پذیر آگاهی داده می‌شود که کدام نهادها چه کاری را تحت کدام شرایط انجام می‌دهند. همچنان خدمات معیاری و چگونگی نظارت از آن، به اقتشار آسیب پذیر معرفی می‌گردد و با عرضه کنندگان خدمات، توافق نامه‌ها به امضا می‌رسد. همچو نهادها و تأسیسات برای سیستم خدمات اجتماعی

خیلی حیاتی است و نیازمند سرمایه گذاری است تا از این طریق برای افراد محروم، خدمات ارایه گردد و به سان امروز، نباید ایشان دور زده شوند. در این خصوص، برنامه‌های آموزشی نیز موجود است.<sup>۳۶</sup> باید گفت که سازمان‌ها و شبکه‌های حمایت از زنان نیز همچو برنامه‌ها را به پیش می‌برند و بهترین نمونه منطقی آن در هندوستان تطبیق شده و موجود است.<sup>۳۷</sup>

عدم معلومات کافی سبب شده تا از این سه قشر محروم، حمایت و پشتیبانی صورت نگیرد. همچنان عدم معلومات متمرکز سبب شده تا از چگونگی ارایه خدمات در گذشته برای این چهار قشر آگاهی نداشته باشیم. بناءً این موارد در ذیل به ارزیابی گرفته شده است.

## ۴،۲،۱- بیوه زنان/ خانم‌های خود سرپرست

اصطلاح «بیوه زنان» و «خانم‌های خود سرپرست» بیش‌تر مترادف یک دیگر استفاده می‌شوند؛ ولی خانم‌های خود سرپرست، عمدتاً در موجودیت شوهران کهن سال مسولیت مدیریت و تنظیم امور خانواده، بهزیستی، معلولین و سایر افراد خانواده را به دوش می‌داشته باشند.<sup>۳۸</sup> در حال حاضر، ۵۲۴۰۰۰ یا ۱،۷۵ درصد بیوه زن در کشور زندگی می‌کنند و این تعداد به دلایل جنگ‌های جاری رو به رشد است.<sup>۳۹</sup> نیمی از بیوه زنان دوباره شوهر نکرده‌اند و به همین دلیل خیلی آسیب پذیراند و نمی‌توانند امرار معیشت نمایند. گزارش سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ سروی شرایط زندگی در افغانستان نشان می‌دهد که ۳۳ درصد از بیوه زنان زیر خط گرسنگی قرار دارند و تنها ۱۲ درصد از آن‌ها که سرپرست خانواده‌شان مرد است، وضع نسبتاً بهتری دارند.<sup>۴۰</sup> بناءً محرومیت زنان به شکل قابل توجهی رو به افزایش است.<sup>۴۱</sup>

● **برنامه‌ها و اقدامات حکومت وحدت ملی:** حمایت‌های فعلی به بیوه زنان و خانم‌های خود سرپرست هنوز واضح نیست و گفته می‌شود به تعداد ۱۵۲۳۰۴ بیوه زن از این حمایت‌ها مستفید می‌شوند که شامل اطفال و والدین محتاج نیز می‌شود و این حمایت‌ها شامل کمک نقدی به شهدا نیز می‌شود. به اساس ارزیابی‌هایی که تازه به دست آمده است، تعداد زیادی از بیوه زنان و خانم‌های خود سرپرست، از برنامه ملی تولید در آمد وزارت احیا و انکشاف دهات و وزارت زراعت، آبیاری و مالداري و کمک‌های بشر دوستانه سازمان ملل متحد مستفید می‌شوند که در کل ۹،۳ میلیون نفر می‌شود و حدود ۳،۴ میلیون آن شدیداً به مواد غذایی نیاز دارند و حدود ۵،۹ میلیون نفر دیگر به طور متوسط به مصونیت غذایی نیاز دارند. تعداد کمی از همچو خانواده‌ها، اطفال خویش را به پرورشگاه‌های دولتی و خصوصی تسلیم نموده‌اند و تا جایی از باردوش آن‌ها رهایی یافته‌اند؛ ولی وضعیت والدین‌شان به شکل درست تانوز مشخص نیست. بناءً بیوه زنان و خانم‌های خود سرپرست، هدف اصلی فعالیت پروژه‌های مؤسسات غیردولتی (انجوها) در سراسر کشور می‌باشد. بارها دیده شده که بعضی زنان دوبار مواد به دست می‌آورند و برخی از زنان دیگر، هیچ مواد و بسته کمکی به دست نمی‌آورند. بناءً حل مشکل یاد شده، منتظر توزیع شناسنامه‌های برقی است.

● **برنامه‌ها و اقدامات اضافی:** تمامی نهادها و سازمان‌ها باید معلومات مستفید شوندگان از قبیل بیوه زنان و خانم‌های خود سرپرست را آماده و ارایه نمایند. وزارت امور زنان و وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین باید تلاش‌های زیادی به خرج دهند تا کمک‌های نهاد‌های غیردولتی را هماهنگ کنند، از همچو کمک‌ها نظارت نمایند، پروژه‌های کوچک را در چارچوب بزرگ تطبیق کنند و جغرافیای وسیع را تحت پوشش قرار دهند و نتایج آن ثبت و راجستر و مستندسازی نمایند و همچنان توانمندسازی اقشار مختلف آسیب پذیر کارکن و مهارت‌های در آمد زایی آن‌ها را بالا ببرد تا این که برای آن‌ها شبکه‌های مصونیتی و اعانه اعطا نمایند.

<sup>۳۶</sup> وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین افغانستان قبلاً تصمیم گرفته که به دلیل عدم موجودیت پول و حمایت مالی، این موضوع را تطبیق و عملی نمی‌کند. این در حالی است که وزارت امور زنان افغانستان خدمات مربوطه را در بعضی ولایات عملاً آغاز کرده و تا اکنون نتایج آن مثبت بوده است.

<sup>۳۷</sup> وزارت امور زنان و اطفال کشور هندوستان کاملاً خدمات جامع و همه شمول را برای زنان و اطفال عرضه می‌کند.

<sup>۳۸</sup> این مسئله ناشی از تفاوت‌های سنی میان همسران است. به اساس گزارش «سروی شرایط زندگی در افغانستان» که در جریان سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ راه اندازی شده بود، فعلاً این خلا موجود است؛ ولی آهسته- آهسته این خلا کاهش می‌یابد و به حد اقل آن می‌رسد.

<sup>۳۹</sup> سروی شرایط زندگی در افغانستان که در جریان سال‌های ۲۰۱۳ الی ۲۰۱۵ راه اندازی شده بود و در سال ۲۰۱۵ گزارش آن از سوی اداره مرکزی احصائیه افغانستان منتشر شد.

<sup>۴۰</sup> «خطرات خانواده و تصمیم‌گیری در افغانستان» پاپ، لیوژن، ب. پاپ و م مرتن. پریزنتیشن بانک جهانی و انستیتوت مطالعات انکشافی، ۱۶ نوامبر ۲۰۱۶، کابل-افغانستان.

<sup>۴۱</sup> نتایج عدم موجودیت هیچ نوع مواد خوراکی در خانه خانم‌های خود سرپرست (۵۳،۵ درصد از خانم‌های خود سرپرست، هیچ نوع مواد خوراکی نداشته‌اند و در سطح ملی ۲۹،۹ درصد از خانم‌های خود سرپرست هیچ نوع مواد خوراکی در دسترس ندارند. همچنان ۱۴،۵ درصد از خانم‌های خود سرپرست در جریان ۲۴ ساعت هیچ نوع مواد خوراکی ندارند تا آن را بخورند و همچنان در سطح ملی ۶،۵ درصد از خانم‌های خود سرپرست در ظرف ۲۴ ساعت هیچ نوع مواد خوراکی برای خوردن ندارند. افزون بر این ۲۵،۹ درصد از خانم‌های خودسرپرست به شکم گرسنه به بستر خواب می‌روند و در سطح ملی ۱۲ درصد از خانم‌های خود سرپرست به شکم گرسنه به بستر خواب می‌روند. همچنان هر قضیه گرسنگی مردان خود سرپرست بین ۰،۱ تا ۰،۳ درصد است؛ یعنی کم تر از میزان آن در سطح ملی می‌باشد. گزارش سروی شرایط زندگی در افغانستان که در جریان سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ راه اندازی شده بود و اداره مرکزی احصائیه افغانستان گزارش آن را در سال ۲۰۱۵ منتشر کرد.

## ۲،۲،۴- اشخاص دارای معلولیت

براساس گزارش‌های مختلف، تعداد اشخاص دارای معلولیت در کشور بین ۱،۷ درصد (براساس گزارش سال ۲۰۰۷/۲۰۰۸ اداره ملی خطرات و آسیب پذیری «NRVA» حدود ۴۰۰۰۰۰ اشخاص دارای معلولیت) تا ۲،۶ درصد است (به اساس گزارش سال ۲۰۰۶ سازمان بین المللی معلولین، حدود ۶۰۰۰۰۰-۸۰۰۰۰۰)<sup>۴۲</sup> است. به دلیل موجودیت جنگ و منازعات جاری، تعداد اشخاص دارای معلولیت رو به گسترش است.<sup>۴۳</sup> جامعه افغانی با همچو اشخاص به دیده افراد غیر مؤلد می‌نگرد. به همین دلیل ایشان از آموزش و پرورش و مهارت‌ها و خدمات کاریابی محروم‌اند و در حالت وابستگی به سر می‌برند. برنامه حمایت ملی دارای اولویت نیز تنها به توانمند سازی فزینی آنها اکتفا نموده‌است. عدم نظارت دولت از ارایه خدمات نهادهای غیردولتی و فقدان استفاده کافی، معلومات ارایه خدمات به همچو اشخاص را به مشکل مواجه کرده است. همچنان به دلیل نفوذ سیاسی تنها به سربازان معلول کمک شده‌است و تنها مصالح و منافع همین گونه اشخاص در نظر گرفته شده‌است. همچنان موجودیت و دخالت عناصر فاسد سبب شده تا امتیازات و حقوق بازمانده‌ها و معلولین را تحت استثمار خود قرار دهند و سبب لکه دار شدن برنامه‌ها و کمک‌ها شده‌اند.<sup>۴۴</sup> از آنجایی که جنگ‌های جاری برنامه‌ها و روندها را متأثر ساخته است؛ مثلاً در سال ۲۰۰۶ سازمان بین المللی معلولین گزارش داد که ۱۷ درصد معلولیت، به منازعه و کشمکش نسبت داده شده، این در حالی است که ۲۶،۴ درصد از آنان مادر زاد بوده‌اند. بناءً این قشر عظیم از اطفال در حاشیه باقی مانده و از آموزش و پرورش و بلند بردن مهارت‌های در آمد و کاریابی محروم مانده‌اند.

- **تلاش‌ها و اقدامات حکومت وحدت ملی:** کمک‌های نقدی به قربانیان به تعداد ۲۷۸۳۱۹ نفر معلول رسیده است. تعداد زیادی از این قبیل افراد، قربانیان جنگ اند و مجموع معلولین و قربانیان به دلیل عدم معلومات واضح نیست.<sup>۴۵</sup> تعداد مستفید شونندگان تحت قانون تعدیل شده سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۳ ارایه زمین، خانه، خدمات حمل و نقل، مراکز صحتی مخصوص، بورس‌ها و فرصت‌های تجارتي کوچک در شهرها که از طریق سبب‌سازدی ارایه شده، مستند سازی نشده و درست معلوم نیست. همچنان معلومات در باره کسانی که آموزش دیده‌اند و تشبثات کوچک را آغاز کرده‌اند، نیز وجود ندارد.
- **تلاش‌ها و اقدامات اضافی:** یک برنامه جامع جهت ارزیابی تعداد و وضع اشخاص دارای معلولیت به راه انداخته می‌شود. مفاهیم معلولیت از سر تعریف می‌گردد تا درک درست از توانایی‌ها، ارتقاء فرصت‌ها، راه اندازی برنامه‌های آموزشی و ایجاد فرصت‌های شغلی پیدا شود و نیز اشخاصی که قانوناً واجد دریافت کمک‌های نقدی نمی‌باشند، تشخیص شوند. همچنان تلاش می‌شود تا آموزش و پرورش و برنامه‌های آموزش برای اطفال که به چالش‌های حسی مواجه‌اند، مهیا گردد و مهارت‌های آنها بلند برده شود که در آینده از این ناحیه خودکفا و مستقل شوند.

## ۳،۲،۴- کهن سالان

هم اکنون حدود 2.6 درصد کهن سال یا به تعداد 730000 افراد بالاتر از سن 65 سال در افغانستان وجود دارد و این کهن سالان بدون موجودیت خانواده در معرض خطر قرار می‌گیرند و به هر پیمان‌های که سن آنها بالا برود، قدرت فزینی، ذهنی و حسی خویش را از دست می‌دهند. تخمیناً حدود ۱۲ تا ۱۵ درصد از کهن سالان<sup>۴۶</sup> که کارکنان پیشین دولت اند که منابع تمویل مالی آنها، پول تقاعد شان می‌باشد. از آن جایی که کمک به کهن سالان در خانواده‌های افغانستان از ارزش بالایی برخوردار است، به ویژه مادران که مواظب خانواده به شمار می‌آیند. بناءً هیچ نوع شواهدی وجود ندارد که کهن سالان از مراقبت‌های خانوادگی محروم باشند. با این همه، توانایی‌ها و ظرفیت‌های خانواده ها جهت رسیدگی به مشکلات کهن سالان به دلیل فقر و نامنی و بیجا شدن کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، زنان علاقه مند و نیازمند کار اند. در آینده علاقه زنان به کار، در شهرها افزایش می‌یابد و گزارش سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ سروی شرایط زندگی در افغانستان نشان می‌دهد که کهن سالان رو به گسترش است و باید به آن رسیدگی شود.

<sup>۴۲</sup> براساس گزارش وزارت صحت عامه افغانستان، حدود ۶۰۰۰۰۰ تن نفوس کشور از مجموع ۲۲،۵ میلیون نفوس معلول هستند که نزدیک تر به تخمین نفوس اداره مرکزی احصائیه در آن زمان می‌باشد.

<sup>۴۳</sup> «سروی ملی معلولیت در افغانستان» سازمان بین المللی معلولین، سال ۲۰۰۶ کابل- افغانستان، اقتباس شده از گزارش طبقه بندی بین المللی معلولیت، صحت و کارکرد سازمان جهانی صحت و مسایل بزرگ مربوط به معلولیت را مورد واکاوی و بررسی قرار داده بود. اداره مرکزی احصائیه افغانستان در «ارزیابی ملی آسیب پذیری و خطرات آن» که در جریان سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ راه اندازی شده بود و در این ارزیابی از معیارها و روش‌های گروپ واشنگتن استفاده شده بود که اکثراً در سروی‌ها، سرشماری‌ها و احصائیه‌ها به کار برده می‌شود. معنیات امور شهدا و معلولین وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین؛ معلومات، آمار و ارقام اداره مرکزی احصائیه افغانستان را نادرده می‌گیرد و به آن توجه نمی‌کند. پس نیاز است تا جوانب نیندل هرچه عاجل به شکل بی‌طرفانه و عینی، سیستم واحدی را جهت معلومات، آمار و ارقام معلولین و معلولیت را جمع آوری می‌کند.

<sup>۴۴</sup> «آسیب پذیری در ارزیابی فساد در پول‌هایی که به شهدا و معلولین تأدی می‌گردد» کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی میارزه با فساد، تاریخ این گزارش مشخص نیست.

<sup>۴۵</sup> معرفی سیستم تأدیات بانکی برای معلولین از سوی وزارت مالیه افغانستان که با تظاهرات گسترده رو به رو شد و معرفی این سیستم ادعای واهی و موجودیت فساد در سیستم پرداخت قبلی را برملا ساخت. معرفی سیستم متذکره، مشکلات را حل نموده؛ ولی تشخیص درست بودن نمرات مستفیدین هنوز هم نامعلوم است.

<sup>۴۶</sup> این یک حدس و گمان است و چنین وانمود می‌گردد که حدود نیمی از متقاعدین، مسن و کهن سال باشند.

بناءً در این عرصه برنامه ریزی ها صورت می‌گیرد و بهترین روش‌ها و شیوه‌های جهانی برای مراقبت از کهن سالان در خانواده و محل زیست وجود دارد.

- **اقدام اضافی:** سند لیبسانس کمک می‌کند تا آگاهی و دانش مردم نسبت به حقوق شان و معیارهای جهانی و شبکه‌های حمایتی بالا برود. برنامه آموزش قابلیت‌های وزارت صحت عامه، بهترین مدل برنامه‌های آموزشی به شمار می‌آید.
- **مدت نیازمندی:** تسریع روند آموزش کارکنان مراقبت‌های اجتماعی، یک برنامه کوتاه مدت؛ اما نیازمندی کلی آن دراز مدت است. کارکنان واجد شرایط این بخش‌ها توسط نهادهای عدلی، پولیس و صحت عامه، آموزش و پرورش و سکتور اجتماعی جهت حمایت محلات و خانواده‌ها به کار گماشته می‌شوند. تدابیر اولویت بندی شده باید در شرایط نیازمندی، تحلیل و ارزیابی شود تا اوقات کاری افراد مسلکی جایگزین آن شود و خطرات افراد آسیب پذیر، به ویژه اطفال کاهش یابد و همچنان باید درک کرد که وابستگی به مراقبت و حمایت زنان نیز مانع تلاش مردان جهت دریافت کار و اقتصاد می‌شود. بناءً همچو تلاش‌ها فرصت‌های جدید کاری را برای زنان و مردان مهیا می‌سازد.

#### ۴, ۲, ۴ - اشخاص معتاد به مواد مخدر

وابستگی به مواد مخدر، یکی از مسایل مهم اجتماعی به شمار می‌آید و در این جا به دلیل تأثیر خطرناک آن بالای خانواده‌ها مورد بحث قرار گرفته‌است. اطفالی که معتاد به مواد مخدر می‌شوند، تبعات آن خیلی زیاد است و سبب بروز خشونت و فقر و در نهایت، سبب بروز تأثیرات منفی دیگر می‌شود. میزان معتادان مواد مخدر در کشور از ۶,۶ درصد در سال ۲۰۰۹ به ۷,۸ درصد در سال ۲۰۱۵<sup>۴۷</sup> افزایش یافته‌است. باید گفت که ۹,۲ درصد از اطفال بین سن ۰ تا ۱۴، پس از آزمایش دیده شده که از یک یا چندین نوع مواد مخدر استفاده می‌کنند. اطفال قرا و قصبات ۶ مرتبه نسبت به اطفال شهر نشین از مواد مخدر متأثر اند. از آن جایی که ۹ درصد از اطفال کشور معتاد به مواد مخدر اند و بقیه ۹۱ درصد از اطفال در معرض استفاده مواد مخدر قرار دارند. بناءً فرصت این وجود دارد تا اقدامات پیشگیرانه در این مورد روی دست گرفته شود.

- **تلاش‌ها و اقدامات حکومت وحدت ملی در این عرصه:** وزارت صحت عامه، خدمات جامع احیای مجدد را راه اندازی نموده‌است. وزارت‌های معارف و مبارزه علیه مواد مخدر، برنامه‌های آگاهی دهی را در سطح مکاتب به راه انداخته و وزارت مبارزه علیه مواد مخدر نیز کمپاین گسترده‌ای را از طریق رسانه‌های جمعی راه اندازی نموده‌است.

- **تلاش‌ها و اقدامات اضافی:** آگاهی‌دهی عامه در مورد اضرار و خطرات مواد مخدر و همچنان سایر تلاش‌ها سبب شده تا پیش از از پیش وارد اقدام شود و جلوگیری از سوء استفاده مواد مخدر از سوی اطفال را بگیرد و در این باره، خانواده‌ها را حمایت نماید و سطح خطرات را کاهش دهد. (برای معلومات بیشتر به بخش‌های ۴,۱,۴ و ۴,۱,۵ رجعت دهی گردد). تلاش‌های زیاد به خرج داده می‌شود تا عرضه کنندگان مواد مخدر تحت پیگیری قانونی قرار گیرند و به پنجه قانون سپرده شوند.

- تلاش‌ها جهت توقف اعتیاد و معرفی تهیه کنندگان مواد مخدر به مراجع عدلی بیشتر گردیده‌است.

#### ۴, ۲, ۵ - اطفال

آسیب پذیر ترین قشر جامعه در افغانستان، ۴۷,۳٪ اطفال زیر سن ۱۵ سال ماست. مسلماً که اطفال تحت کتگوری بلند خطر قرار دارند. نه تنها که ایتم به این مشکل مواجه اند؛ بلکه تمامی اطفال که حد اقل یک سرپرست (پدر- مادر) دارند<sup>۴۸</sup> به همین مشکل مواجه اند. به نظر می‌رسد که تطبیق و نهادینه سازی تعهدات بخش اطفال سازمان ملل متحد زیر نام «دفاع از مصالح و منافع اطفال»<sup>۴۹</sup> و همچنان «متوسل شدن به آخرین راه حل» نادیده گرفته می‌شود. دستگاه‌های عدلی و قضایی کشور نیز نگهداری و حمایت از اطفال را مسوولیت حقوقی پدر یا پدر کلان نمی‌داند. برعکس، قوانینی را تطبیق می‌کند که خلاف مصالح طبیعی مادران می‌باشد و حتا کلیه حفظ، مراقبت و نگهدای اطفال را به دوش مادران گذاشته که تا آخرین دم حیات از اطفال حمایت نمایند<sup>۵۰</sup>. تمامی اطفال در افغانستان به دلیل موجودیت ارزش‌های فرهنگی منحیت یک امتعه دیده می‌شود. یک فرد دارای حقوق به این معنا که اطفال از رحم مادر تا سن بلوغ در معرض خطر قرار دارند.

<sup>۴۷</sup> گزارش سال ۲۰۱۵ مواد مخدر در افغانستان، وزارت مبارزه با مواد مخدر دولت جمهوری اسلامی افغانستان، ۲۰۱۵.

<sup>۴۸</sup> ارزیابی صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف) در سال ۲۰۰۶ و گزارش سازمان اطفال در بحران-CIC در سال ۲۰۱۳. هر دوی این ارزیابی و گزارش در همکاری با کارمندان وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین راه اندازی شده بود و حدود ۸۰ درصد از اطفال، حداقل پدر یا مادر خویش را باخود داشته و ایام رخصتی را با ایشان سپری می‌کنند. نخستین توجهی آن‌ها جهت نهادینه سازی «تعلیم و تربیه بهتر» بوده است. بعضی از مراکز و نهادها تنها دسترسی روزانه به تعلیم و تربیه و مواد خوراکی را فراهم می‌سازند.

<sup>۴۹</sup> این کار اکثراً از سوی زنان که طلاق می‌گیرند، زناتی که به خاطر خشونت‌های خانوادگی شدید فرار می‌کنند، زنان زندانی که اطفال زیر سن ۷ سال را با خود دارند، صورت نمی‌گیرد؛ زیرا ایشان هراس دارند که مبادا اطفال خویش را از دست بدهند. در همچو حالات، حفظ و مراقبت از اطفال توسط پدر یا پدرکلان از سوی محاکم تعقیب و پیگیری نمی‌شود. بناءً زنان مجبور می‌شوند تا منابع و امکانات مورد نیاز را خودشان دریافت و به دست بیاورند. مصاحبه‌هایی که با زنان، حقوق دانان، سارنوالان و ادارات و نهادهای حمایت از حقوق زنان و اطفال انجام شده است.

<sup>۵۰</sup> همان منبع بیان داشته است که این موضوع نخستین دلیل عدم اخذ طلاق و تحمل ازدواج‌های اهانت آمیز و بد است. حتا اگر زنان منابع مالی مستقل نیز داشته باشند باز هم به خاطر همین موضوع به طلاق روی نمی‌آورند.

برای معلومات بیشتر به ضمیمه ۵ رجعت دهی گردد. تحقیق و ارزیابی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال ۲۰۱۴ در مورد پدیده بچه بازی<sup>۱</sup> نشان می‌دهد که ۲۹ درصد بچه‌ها خریداری می‌شوند و ۱۳ درصد دیگر آن‌ها از طریق دوستان‌شان به این عمل ناپسند سوق داده می‌شوند. چهار تا پنج تن از بچه‌ها می‌خواهند از این عمل دست بکشند؛ ولی به خاطر ترس از زندگی‌شان نمی‌توانند این عمل را ترک نمایند. برعلاوه مسایل ذکر شده در بخش ۴،۱،۴ هنوز ۴۲ درصد از اطفالی که ذکر شده و زیر سن ۵ سال اند، یا به سن ازدواج رسیده‌اند و یا به بچه بازی جذب نمی‌شوند. قاچاق اطفال<sup>۲</sup> جلب و جذب آن‌ها از سوی گروه‌های شورشی و سوء استفاده<sup>۳</sup> تماماً خطراتی است که اطفال به آن مواجه‌اند، باوجودی که در این عرصه تلاش شده تا جلو همچو خطرات گرفته شود؛ ولی هنوز هم این خطرات اطفال را تهدید می‌نمایند. از آن جایی که رسیدگی به مشکلات اطفال از سوی چندین اداره به پیش برده می‌شود. به همین دلیل، سرمایه‌گذاری روی موضوعات مربوط به اطفال و درک درست از این موضوع وجود ندارد و به شکل درست تفهیم نگردیده‌است؛ ولی پیشنهادها و سفارش‌های تازه وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین<sup>۴</sup> جهت بهبود سیستم مصونیت اطفال درخور توجه‌است و باید جدی گرفته شود. سرمایه‌گذاری روی اطفال امروز در واقع سرمایه‌گذاری روی آینده افغانستان است.

- **تلاش‌ها و اقدامات حکومت وحدت ملی جهت حمایت از اطفال:** تدابیر جدی در ضمیمه ۵ یاد شده‌است تا از خطراتی که اطفال به آن مواجه‌اند، جلوگیری شود. همچنان میثاق شهروندی تمایل و اراده جدی دارد که در سطح محلات از اطفال حمایت و حراست می‌نماید و مصونیت اجتماعی را به آن‌ها باز می‌گرداند.
- **اقدامات و تدابیر اضافی:** در نظر است تا برنامه ملی اطفال معرفی گردد و توسط همین برنامه اطفال آموزش و پرورش ببیند و مردم را به حمایت از آن دعوت نماید. بناءً به منظور این که تلاش‌ها مثمر واقع شود و نتایج بیش‌تری در پی داشته باشد، تمامی برنامه‌های مربوط به اطفال باهم ادغام و تحت یک برنامه آورده می‌شود و سیستم ارایه خدمات<sup>۵</sup> نیز تقویت می‌گردد. برنامه تازه زیرنام « اطفال ما، آینده ما » « آینده بهتر برای اطفال کشور »: « توجه به اطفال مهم است » « نخست اطفال » و برنامه‌هایی از این قبیل. بهترین الگوی این مسئله کشور ایرلند است که برنامه‌ای را به خاطر حمایت از اطفال و جوانان در سال ۲۰۱۴ آغاز و تا سال ۲۰۲۰ ادامه دارد و این برنامه زیر نام «نتایج بهتر، آینده درخشان» شروع کرد. این برنامه، تغییر اهداف و سیستم‌های قبلی را نیز در بر می‌گیرد و همچنان ساختار نظارت از تطبیق این برنامه را نیز در بر دارد. برنامه میثاق شهروندی جهت حمایت اطفال با شاخص ساده بهزیستی اطفال به پیش برده می‌شود (به بخش ۴،۱،۶) رجعت دهی گردد. این برنامه در سطح محلات، قرا و قصبات به پیش برده شود و برنامه آن طوری به پیش برده می‌شود که مردم محل، بهبود وضعیت زندگی اطفال خویش را عملاً مشاهده نمایند و از طریق اطلاعات جمعی نیز شیوه‌های بهتر زیستن، ترویج و تبلیغ می‌گردد و همچنان جایزه کوچک نیز برای محل برنده اعطا می‌گردد.

## ۴،۲،۶- چارچوب معقول برای رسیدگی به معلولیت اجتماعی

تنظیمات و رسیدگی به مشکلات افشاردارای معلولیت اجتماعی در حال حاضر از سوی ادارات مختلف به پیش برده می‌شود و میان آن‌ها هماهنگی و تبادل تجربه و معلومات وجود ندارد. پس ایجاد چارچوب واحد می‌تواند مدیریت ساختارها، شایستگی مناسب، خدمات معیاری و منابع حمایتی را انکشاف و تقویت کند.

دیدگاه‌ها	اطفال و خانواده‌ها	کهن سالان
-مشکلات اطفال باید در وضعیت خانواده‌ها تحلیل و ارزیابی شود.	- مراقبت‌های محلی؛ -اطفال با توانایی‌های مختلف.	- مراقبت‌های محلی؛ - مراقبت خانوادگی از سوی طبقه انانث.

<sup>۱</sup> مراجعه گردد به گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان زیر عنوان «تحقیق و بررسی علل و عوامل قاچاق زنان و اطفال در افغانستان» که در ماه جولای سال ۲۰۱۱ منتشر شد.

<sup>۲</sup> «گزارش سال ۲۰۱۵ مواد مخدر در افغانستان». وزارت مبارزه با مواد مخدر افغانستان و گزارش دفتر مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل- سال ۲۰۱۵، کابل- افغانستان. در این گزارش آمده‌است که ۹،۲ درصد از اطفال که سن شان بین صفر و چهارده سال است، از یک یا چندین نوع مواد مخدر استفاده می‌کنند و همچنان در گزارش تذکر رفته است که این اتفاق در دهات و روستاها نسبت به شهرها شش مرتبه بیش‌تر است. در این گزارش، پیش بینی شده که حدود ۹ درصد از اطفال، استفاده کنندگان مستقیم مواد مخدر هستند و حدود ۹۱ درصد آن‌ها در معرض استفاده مواد مخدر قرار دارند.

<sup>۳</sup> این شواهد، شامل سه مورد ارزیابی می‌شود که از سوی صندوق حمایت از اطفال سازمان ملل (یونیسف) که روی بررسی وضعیت سیستم مصونیت ملی اطفال، از سوی شبکه ملی حفاظت از اطفال و همچنان مسئله سرمایه‌گذاری ملی بالای اطفال صورت گرفته است. ارزیابی‌های متذکره تا اواسط سال ۲۰۱۷ منتشر می‌شود.

<sup>۴</sup> یک سیستم جامع مصونیت اطفال، در یکی از تحقیقات و مطالعاتی که از سوی صندوق حمایت از اطفال سازمان ملل (یونیسف) زیر نام « طرح و ارزیابی سیستم مصونیت اطفال در افغانستان: نقاط قوت، چالش‌ها و سفارش‌ها ۲۰۱۵-۲۰۱۶ » تمویل مالی گردیده، ارایه و پیشکش شده‌است. وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین، جولای ۲۰۱۷.

<sup>۵</sup> مانند تعلیم و تربیه، قانون اساسی کشور ارایه خدمات رایگان و مجانی برای اتباع کشور را تضمین نموده‌است؛ ولی شرح و جزئیات نداده‌است. در واقع، اتباع افغانستان از خدمات رایگان و مجانی تکنیکی دولت جمهوری اسلامی افغانستان مستفید می‌شوند و منجبت کارمندان مسلکی تربیه می‌شوند؛ اتباع افغانستان تمامی مصارف و پول منابع مادی از قطره خون گرفته تا مواد غذایی به شمول کتب را می‌پردازند؛ اما از نقطه نظر فرهنگی، مردم افغانستان به این باور اند که خدمات رایگان و مجانی معمولاً از کیفیت خوب و عالی برخوردار نیست و بسیاری‌ها پول خیرات و صدقات را خوش ندارند اخذ کنند. به همین دلیل اکثر «تحفه کوچک» به کسانی که خدمت یا کاری را انجام می‌دهند، پرداخته می‌شود. به این معنی که بعضی اوقات، صدقات و خیرات نسبت به حساسیت‌های فرهنگی موجود، در قالب « تحفه » به کسانی که خدمات ارایه می‌کنند، پرداخته می‌شود.



کهن سالان در معرض خطر یا باز ماندگان خشونت؛ کهن سالان دارای توانایی های مختلف؛ کهن سالان که مورد استفاده مادی قرار می گیرند؛ زنائی که در تناقض با قانون قرار دارند؛ کهن سالان.	اطفال در معرض استفاده مواد مخدر  اطفال که در تناقض با قانون قرار دارند.	به آن رسیدگی شود.  خدمات مربوط به اطفال نیاز به تأمین روابط و شایستگی و ظرفیت های تخنیکی و اصول نامه دارد.
--	---	--

\* اطفالی که والدین و سرپرست ندارند، عمدتاً قاپاق می شوند و سوء استفاده جنسی قرار می گیرند و در یک حالت متمایز با دیگران زندگی می کنند.

- **اقدام اضافی:** نظارت از تطبیق این چارچوب در وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین نهادینه می شود. وزارت های کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین و وزارت امور زنان طوری که در بخش ۴،۲ بیان گردیده، از این چارچوب حمایت می کنند. ارزیابی قضایی مربوط به اطفال درست مدیریت می شود و روی ارتقای ظرفیت آن ها کار صورت می گیرد و وزارت امور زنان از زنان نیز حمایت می نماید. در صورت تقاضا، به مشکلات مردان نیز به همین گونه رسیدگی می شود.

### ۴،۳- تقویت و تحکیم تأمینات اجتماعی

کمک های بین المللی؛ آهسته- آهسته کاهش می یابد، پس نیاز است تا در سیستم های مالی اصلاحات گسترده رونما گردد تا از ارایه پایدار خدمات اجتماعی اولیه اطمینان حاصل شود. آموزش و پرورش و صحت از حقوق اولیه اتباع کشور به شمار می آید که توسط قانون اساسی تضمین گردیده است.<sup>۵۱</sup> هرچند منابع و جوه مالی کشور محدود است؛ ولی با آنهم راه های کوتاه مدت وجود دارد که می تواند ما را به اهداف میان مدت کمک و نزدیک سازد.

#### ۴،۳،۱- بیمه اجتماعی

خدمات و مراقبت های صحتی بخش بزرگی از در آمد خانواده ها را از بین می برد و اکثراً مصارف خدمات صحتی با قرضه گیری پرداخته می شود. سرانجام، باعث بروز مشکلات مالی برای خانواده ها می گردد. پس **بیمه صحتی از جمله میکانیزم های پایدار عرضه خدمات** است که مصارف خانواده ها را کاهش می دهد. در سال ۲۰۱۵ وزارت صحت عامه سروی و تحقیق<sup>۵۲</sup> را در خصوص تطبیق پذیری و عملی بودن بیمه صحتی را راه اندازی کرد. در نتیجه، ثابت شد که ارایه مدل های بیمه صحتی در سطح ملی و محلی می تواند به نیازمندی های مردم پاسخگو باشد و تمامی نیازمندی های آن ها را مرفوع نماید. با درک این که اصلاحات در بخش تمویل مالی صحتی یک روند طولانی است و به اراده و رهبری سیاسی قوی و همکاری همه جناح های ذیدخل نیاز دارد و باید موانع و مراحل قانونی و حقوقی آن طی شود، پس تحقیق فوق الذکر نشان داده که فاز دوم آن به موقع در جریان ۲ تا ۴ سال راه اندازی می شود و در ساحاتی که خدمات با کیفیت ارایه می گردد، عرضه بیمه صحتی طی یک دوره آزمایشی راه اندازی می شود.

- **اقدام اضافی:** تحقیق فوق الذکر به دقت ارزیابی می شود تا دیده شود چی زمانی مرحله آزمایشی بیمه صحتی آغاز گردد. همچنان در این مرحله، مردم تشویق می گردد تا پول بیمه صحتی را بپردازند و مثال های کشورهای همسایه نیز ارزیابی می گردد و از مستفیدین نیز پرسیده می شود که کدام نوع خدمات را بیش تر ارزش می دهند. با در نظر داشت این که تمرکز و سرمایه گذاری، بیش تر روی رشد اقتصادی و استخدام صورت گرفته و سکتور خصوصی نیز روی رشد اقتصادی تمرکز نموده پس خیلی زمان مناسب است تا روی تقویت فرصت ها جهت طرح توسعه بیمه ملی اجتماعی تقاعد تمرکز شود.<sup>۵۳</sup>

<sup>۵۱</sup> «مطالعه عملی بودن بیمه صحتی در افغانستان: آموختن و الگو گرفتن از سایر کشورها، ارزیابی حقوقی و تحلیل و تجزیه جناح ذیدخل» فیوچر گروپ، واشنگتن دی سی. سال ۲۰۱۵.

<sup>۵۲</sup> هدف قرار دادن فوایدی که به نفع مستفیدین باشد، منحصراً موضوع اساسی در طرح سیستم ملاحظه و تشخیص گردیده است. مراجعه گردد به گزارش اسکوبر، مل، س.س. گرفن و ر. پاول شاو. زیر نام «تأثیرات بیمه صحتی در کشورهای با در آمد پایین و متوسط». چاپ انستیتوت بروکنگز، واشنگتن دی سی سال ۲۰۱۰. برای آنانی که با بیمه صحتی آشنایی ندارند، این گزارش خلاصه ای جامع و با ارزش از مدارک و ملاحظات کلیدی در خصوص بیمه صحتی را ارایه می کند.

<sup>۵۳</sup> ماده شماره یک صد و دوم کنوانسیون سازمان بین المللی کار که در باره ارایه حداقل معیارات خدمات مصنونیت و تأمینات اجتماعی برای تمامی اتباع کشورها می باشد، تصریح نموده است که تمامی کشورها به ارایه حداقل معیارات خدمات در ۹ بخش تأمینات اجتماعی باهم توافق نموده اند. این ماده، از کشورهای عضو

● **اقدامات پیش‌تر:** در میان مدت به تعقیب اقدامات بخش ۳، ۳، ۴، باید قانون و چارچوب حقوقی تأمینات اجتماعی در شرکت‌ها و تشبثات که کارکنان آن‌ها محدود است، معرفی و تطبیق گردد تا بتوانیم به سوی تصویب و تنفیذ ماده ۱۰۲ تأمینات اجتماعی<sup>۶</sup> کنواسیون بین المللی کار گام برداریم. همچنان سکتور استخراج معادن یا صنایع استخراجی به کار آغاز کرده، پس نیاز است تا ماده ۱۷۸ کنواسیون بین المللی که مربوط به صحت و مصونیت کارکنان است، معرفی و تطبیق گردد.

● با توجه به عدم استفاده کلی از شیوه‌های مصنون و مصونیت شغلی؛ نیاز به معرفی، آموزش و پیشرفت در جهت تصویب کنواسیون بین المللی شغلی و ایمنی ILO (شماره ۱۵۵) و چارچوب تبلیغاتی آن (شماره ۱۸۷) تمرکز بر کشاورزی، ساخت و ساز و معدن محسوس است. ILO کدهای ارزشمندی را ارائه می‌دهد که MoLSAMD نیاز به معرفی دارد، با مشورت با دیگران به محیط افغانستان؛ تطبیق، انتشار و معرفی عملیاتی آن.

همچنان نیاز است تا فرصت‌های شغلی و چارچوب‌های حقوقی برای زنان ایجاد گردد. پالیسی‌ها و میکانیزم‌های جدید جندر و آزار و اذیت جنسی در محیط کار معرفی و عملی گردد.

## ۲، ۳، ۴- مساعدت اجتماعی

از نظر تاریخی، مساعدت‌های نقدی عمدتاً منتج به فساد و فرصت طلبی شده‌است. درس‌هایی که وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین در بخش اصلاح برنامه تقاعد و وزارت مالیه در قسمت انتقال الکترونیکی پول شهدا و معلولین و مرحله آزمایشی شبکه‌های مصونیت آموخته<sup>۱</sup>، نشان می‌دهد که نیاز است به توزیع شناسنامه‌های برقی است تا تمامی پرداخت‌ها به شکل الکترونیکی صورت گیرد. ادامه شبکه‌های ایمنی محدود از سوی مردم استقبال نمی‌شود؛ چون مؤقتی است و شواهد زیادی وجود دارد که مدت همجو شبکه‌ها خیلی مهم است چون در محور<sup>۱۱</sup> فقر کمک می‌کند؛ عرضه خدمات برابر و مساوی قابل حصول نمی‌باشد<sup>۱۲</sup>.

حل مسایل واقعی مساعدت‌های نقدی ریاست شهدا و معلولین بسان تقاعد نیاز به اصلاحات دارد.

● **تلاش و اقدام حکومت وحدت ملی:** حسب لزوم دید و مطابق مقتضیات زمان، پلان‌های آوردن اصلاحات اجرا می‌گردد<sup>۱۳</sup>.

● **تلاش‌ها و اقدامات اصافی:** ارزیابی امتیازات و نیازمندی‌های بیوه زنان و خانم‌های خود سرپرست در میان شهدا و معلولین که در بخش‌های ۱، ۲، ۴ و ۲، ۲، ۴ در فوق ذکر شد.

- مرور و ارزیابی بهترین شیوه‌های جهانی جهت تأدیه جبران و غرامت به شهدا و معلولین ملکی که به دلیل جنگ و منازعات جاری از شهدا و معلولین نظامی تفکیک شده و همچنان تعدیل در قانون حسب ضرورت، تمرکز روی مساعدت‌های اجتماعی آینده و جلوگیری از محرومیت طولانی اطفال که مادر شان نمی‌تواند از آن‌ها حمایت کند، بلند بردن سطح مهارت‌ها، راه اندازی برنامه‌های آموزشی، ایجاد منابع در آمد و ایجاد فرصت‌های خودکفایی، گام‌های عملی این بخش عبارت از جذب دختران به تعلیمات ثانوی و فراهم آوری سهولت‌های آموزشی برای اطفال معلول و نابینا، حفظ و حراست از همبستگی خانواده‌ها و ایجاد فرصت‌های شغلی برای مادران تا ایشان اطفال شان را از قالبین بافی منع نموده و به مکتب بفرستند. باید هویت مستفیدین نیز به شکل انفرادی<sup>۱۴</sup> تشخیص شود.

تقدم نخست جهت مساعدت اجتماعی جلوگیری محرومیت مدام العمر اطفال محروم از حمایت مادر می‌باشد و با تهیه فرصت‌های درآمد می‌توان حل مشکل نمود. اقدامات شامل شمولیت دختران در مکاتب ثانوی و

می‌خواهد تا تنها ۳ مورد آن را به تصویب برسانند و تطبیق نمایند و به دولت‌های عضو اجازه می‌دهد تا گام به گام پوشش و ارائه خدمات تأمینات اجتماعی را تمدید و وسعت دهند. افغانستان منحصبت عضو این سازمان تا هنوز کنواسیون سازمان بین المللی کار را به تصویب نرسانیده است.

<sup>۹</sup> تا هنوز انتقال پول به طور آزمایشی هیچ نوع شرط را شامل و تعیین نکرده است. تلاش‌ها و اقدامات آینده سفارش شده تا خود را با ابعاد جندر آشنا سازند که هدف آن توانمند سازی زنان است که این یک اصل ملی می‌باشد و بسیاری از خانواده‌ها زمانی که وسایل موجود باشد، آن را قبول می‌کنند. مراجعه گردد به وبسایت [www.icsw.org](http://www.icsw.org) در این وبسایت، خبرنامه همکاری جهان در مارچ ۲۰۱۷ منتشر شده است و در آن خلاصه معلومات و منابع مفید موجود می‌باشند.

<sup>۱۱</sup> بستگی ف، هجن زنگر ج، هرمن ی، برکت سترج گ، سچمد، ت، « انتقال پول: شواهد چی می‌گوید؟ مرور کامل تأثیر برنامه و نقش طرح و ویژگی‌های تطبیق» لندن، او دی ای، سال ۲۰۱۶.

<sup>۱۲</sup> ۲۵ دالر ماهوار (ارزش پول مصارف نیازهای اولیه سرانه در افغانستان) برای ۲۵۰۰۰ تن زن نیاز به سرمایه‌گذاری حدود ۷۵ میلیون دالر دارد. این مقدار، ۲۰ درصد کل بودجه ملی مصونیت اجتماعی است که حدود ۲،۳ درصد از جمله ۳۹،۱ درصد کسانی است که زیر خطر فقر زندگی می‌کنند. تخصیص سهم محدود اصل برابری و مساوات را زیر پرسش می‌برد. بودجه سال ۱۳۹۶ نشان می‌دهد که در آمد ملی به شمول عواید گمرکات کاملاً توسط مصارف پلان شده خرج شده است.

<sup>۱۳</sup> برنامه اصلاح سیستم تقاعد در سال ۲۰۰۹ آغاز (البته یک سال آن دوره آزمایشی بود) ولی حالا که در سال ۲۰۱۷ قراردادیم تا هنوز سیستم بایومتریک آن به تمام ولایات تکثیر نشده است.

<sup>۱۴</sup> به عنوان مثال: مادران بدون حمایت، در جستجوی مراقبت‌های رسمی و نهادهای برای اطفال خود هستند؛ ولی می‌توان با پول و مصارف کم، اطفال آن‌ها را در خانه نگهداشت و خدمات حفظ و مراقبت برای آن‌ها در خانه ارائه کرد. این کار نیاز به حمایت و تقویت اصول ملی خانواده‌ها دارد؛ یعنی همان فرهنگ خانوادگی افغانی و مصرف آن‌ها نیز برای دولت کم است، به ویژه برای خانواده‌هایی که پیش‌تر از یک طفل دارند.

<sup>۱۵</sup> این کار براساس آغاز برنامه آموزشی و تعلیمی از سوی وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین در همکاری با دانشگاه کابل ایجاد می‌گردد و منحصبت بخش پالیسی ملی اجتماعی برای رشد و توسعه مهارت‌های مسلکی افراد سطح پایین پیشنهاد گردیده‌است.

تقویت‌مندی مادران جهت منع اطفال شان از قالین بافی می‌باشد. شناسایی مستحقین ملزوم تحقیق می‌باشد. فلذا می‌توان هر مورد قضیه را جداگانه جابجا نماییم.

### ۴,۳,۳- خدمات اجتماعی

ارایه خدمات اشتغال زایی و استخدام: مرور و ارزیابی عملی امور اجتماعی ریاست امور معلولین وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا معلولین و توسعه و انکشاف آن در مطابقت با رشد سکتور خصوصی. خدمات تخنیکي: ارایه خدمات زیر در کوتاه مدت، اقدامات به تدریج، معرفی و بهبود سلامت و مصونیت در محل کار به عنوان سهم در پیشرفت در دستیابی کلی «کار مناسب و معقول».

- تصویب کنوانسیون‌های ILO در مورد مصونیت شغلی، شماره ۱۵۵ و چارچوب تبلیغاتی آن، شماره ۱۸۷؛ توسعه خط مشی مربوط به مصونیت حرفه‌ای با استانداردهای ILO همراه با توجه به اولویت بخش‌های زراعت، ساخت و استخراج معادن.
- راه اندازی برنامه آگاهی عامه در قالب رهنمودهای مکلفیت و مسوولیت‌های کارفرمایان تا براساس همچون طرزالعمل، کارفرما شرایط بهتر کار را جهت ارایه تأمینات اجتماعی در مطابقت با برنامه‌های دولت فراهم نماید و خدمات مراقبتی و آموزشی را فراهم نماید. همچنان باید طرزالعمل برای کارکنان نیز آماده گردد تا براساس آن به پیش بروند و از حقوق حقه خویش دفاع نمایند و در صورت خلاف ورزی صدای خود را بلند نمایند. به بخش ۴,۱,۵ رجعت دهی گردد. پالیسی اجتماعی توسط نهاد هایی مانند: IDLG, MoPW, MoRRD, MAIL, MoRR, SC, AGO, MoJ, MoIA, MOWA, MoBTA, GD-KA, MoUD, ANDMA, MoCN, MoE, MoFA, MoF, MOPH, AIRCSC، بسیاری از نهادهای UN و دیگر سکتورهای خصوصی و غیر دولتی همکاری می‌گردد.
- وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین؛ کارشویه ای را جهت ارزیابی نیازمندی‌های آموزشی، آماده سازی کارمندان اجتماعی و کارکنان مراقبت اجتماعی آماده می‌سازد<sup>۱۵</sup>. اهمیت و شایستگی این نقش مهم و مسلکی، باید به شکل روز افزون از سوی نهادهای عدلی، قضایی، پولیس ملی و نهادهای اجتماعی و صحتی و تعلیمی درک شود و نیز برای اجتماع و خانواده‌های امروز و فردا نیز اهمیت این موضوع تفهیم گردد.

**خدمات مراقبت‌های اجتماعی:** این خدمات باید برابر با اصول و ارزش‌های ملی باشد، مسئله اقتصادی بودن آن نیز در نظر گرفته شود و همچنان در مطابقت با تعهدات ملی و شیوه‌های پذیرفته شده باشد. پس جهت عرضه خدمات مراقبت‌های اجتماعی باید:

- مراکز و نهادهای مراقبتی (پرورشگاه‌ها) ارزیابی و اصلاح گردد و در صورت ممکن اطفالی که خانواده و سرپرست دارند و خانواده‌های شان می‌توانند سرپرستی شان را به عهده گیرند را دوباره به خانواده‌های شان تحویل دهند. ملاحظات حمایتی بر خانواده‌های فقیری که نمی‌توانند اطفال شان را معیشت نمایند صورت گیرد و در این مراکز (پرورشگاه‌ها) خدمات اقتصادی عصری فراهم گردد. مثال‌های زیادی از کشورهای افریقای جنوبی وجود دارد که حین شیوع مرض ایچ ای وی و ایدز تعداد زیادی یتیم گردید و همچنان در کشورهای آسیای میانه؛ مانند اوکراین همچو اتفاقات صورت گرفته و هم اکنون اوکراین شیوه‌های زمان اتحاد جماهیر شوروی سابق را از بین می‌برد و شیوه‌های جدید را جایگزین آن می‌کند.
- ارزیابی و اصلاح کودکان‌ها و افزایش خدمات دولتی برای زنان کارکن، البته در مطابقت با قوانین و هدایات وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین و نهادینه سازی آموزش خدمات مراقبت‌های اطفال از طریق انستیتوت تخنیکي و مسلکی.
- عرضه خدمات اجتماعی از سوی وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین برای تمامی اقشار محروم اجتماعی؛ مانند اطفال و زنان فقیر در همکاری با وزارت امور زنان و این دو وزارت باید یکجا ظرفیت این قشر جامعه را بالا ببرند و این کار از طریق برنامه خدمات ارزیابی نخستین و مراجع به پیش برده شود. عرضه خدمات همچنان مسوولیت نهادهای مسلکی و تخصصی است.

<sup>۱۵</sup> این مسئله با هدف نقش نظارتی استراتژی انکشاف ملی افغانستان از استراتژی مصونیت اجتماعی مناسب و برابر می‌باشد و وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین در آن وقت آن را درک ننموده و به آن پی نبرده بود.

آسیب پذیری در جامعه افغانی به مفهوم کمبود فرصت به علت سن، جنسیت، توانایی فزیک و ذهنی و یا به علل موقعیت جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی و جوی است که افراد آسیب پذیر نمی‌تواند به منابع اقتصادی موجود یا منابع مادی و اجتماعی دسترسی پیدا کند یا در مسایل مربوط مشارکت داشته باشند، از آن بهره مند شوند و یک زندگی ستندرد و قابل قبول را برای خود فراهم نماید. افراد اکثراً معلول، کسانی هستند که به دلیل نداشتن ظرفیت کافی که به شکل مستقل از فرصت‌های موجود استفاده نمایند، نسبت به محرومیت اجتماعی خیلی حساس و در معرض خطر قرار دارند.

#### ۴,۴- تعریف آسیب پذیری

به نسبت گسترده گی چالش‌های شهروندان:

#### ۴,۵- ایجاد واحد نظارت از تطبیق و اجرای پالیسی ملی اجتماعی

به منظور جلوگیری از بروز مشکلات و تقویت ارزش‌های ملی و انجام ارزیابی مکرر پیشرفت‌های اجتماعی، نیاز است تا یک نهادی نظارت کننده از تطبیق و اجرای این پالیسی ایجاد گردد و مسوولیت‌های آن عبارت اند از:

- ایجاد هماهنگی درست، پیشرفت به سوی استندرد سازی و تقویت اصول و ارزش‌های ملی؛
- مدیریت معلومات به منظور اطلاع رسانی و راه اندازی برنامه‌های آگاهی دهی عامه از دست آوردها و تطبیق شیوه‌های درست و ادامه آن و مدیریت نیازمندی‌های جدید؛
- نظارت از پیشرفت‌ها جهت دست یابی همه به خدمات اجتماعی اولیه؛
- رهبری، هماهنگی، مرور پالیسی ملی اجتماعی و رایه پیشنهادات و سفارشات؛
- تأمین روابط و تفهیم پالیسی ملی اجتماعی به ادارات دولتی در سطح ولایات، شوراهای انکشاف محلی و تشریک پیشرفت‌ها با مردم عام؛
- دفاع و حمایت با سایر جوانب ذربط جهت فراهم آوری منابع کافی تا تمامی نیازمندی‌های شهروندان از رهگذر تأمینات اجتماعی مرفوع گردد.

### ۵: تنظیمات تطبیق پالیسی اجتماعی

#### ۵,۱- مسوولیت تطبیق و اجرا

از آن جایی که نظارت از تأمینات اجتماعی در قانون پیش بینی شده و نهادی مکلفیت نظارت آن را به عهده دارد؛ پس وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین مکلفیت دارد تا از اجرا و تطبیق پالیسی ملی اجتماعی نظارت نماید.<sup>۶۷</sup> نظارت از تطبیق و اجرای این پالیسی از سوی یک کمیته باصلاحیت وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین رهبری می‌شود و تحت نظر و هدایات همین کمیته، رهبری وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین نظارت صورت می‌گیرد و در حال حاضر کمیته اجرایی بیجاشدگان داخلی و عودت کنندگان، بهترین مثال جهت تطبیق و اجرای پالیسی هذا به شمار می‌آید. نظارت از پالیسی هذا به وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین زمینه رشد و پیشرفت را فراهم می‌سازد و ظرفیت این وزارت بالا برود و انکشاف و پیشرفت ملی را با اقدامات و معیارهای پایدار تعبیر نماید و پیشرفت رفاه و بهزیستی اتباع کشور را پیگیری نماید و به شکل تدریجی به یک وزارت عرضه کننده خدمات عصری اجتماعی مبدل

شود و سیستم جامع تأمینات اجتماعی را ایجاد نماید. هرچند این کار زمان گیر بوده<sup>۶۶</sup> و نه نیاز به ظرفیت سازی ظرفیت کارکنان که همه اقدامات حمایت اجتماعی را انجام می‌دهند؛ ولی نباید نادیده گرفته شود. نظارت از تطبیق و اجرای این پالیسی به معنای لغو سایر پالیسی‌ها و پلان‌های مربوط به افشار آسیب پذیر نمی‌باشد و نه هم به معنی تعطیلی و انحلال نهادها و ادارت قبلی است؛ بلکه هدف اصلی نظارت، حصول اطمینان از هماهنگی و انسجام در پالیسی و عرضه خدمات به شهروندان<sup>۶۷</sup> در مطابقت با اصول و ارزش‌های ملی است. این کار مشروط به هماهنگی درست و همکاری با سایر نهادهایی است که در این عرصه کار می‌کنند و هماهنگی و همکاری برای بهبود خدمات و پیشرفت یک امر اساسی می‌باشد.

نظارت از تطبیق و اجرای پالیسی ملی اجتماعی برای وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین به مفهوم آوردن تغییرات در شیوه‌ها و روش‌های فعلی است و همچنان به معنای ارتقای ظرفیت‌ها و صلاحیت‌ها در فعالیت‌های نهادهایی است که قبلاً وجود داشته؛ ولی عملکرد آن‌ها ضعیف بوده است. وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین از برنامه اصلاحات و بازسازی نیز مستفید می‌شود و این وزارت باید دست به اصلاحات بنیادین بزند. این اقدام، برای پالیسی ملی اجتماعی خیلی مهم است و در مطابقت با آن قرار دارد و اصلاحات در وزارت باید تحت رهبری معینیت‌ها به پیش برده شود.

پس باید یک برنامه جامع مدیریت تغییر ایجاد گردد تا مفید، همه شمول و معقول باشد. وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین این ظرفیت را دارد تا در این عرصه پیش بین بوده و کار نماید و به یک وزارت توانمند و با صلاحیت مبدل شود. همچنان این وزارت می‌تواند برای مدیریت نظارت از تطبیق و اجرای پالیسی اجتماعی تیم جدید را تقرر و استخدام نماید، قسمی که برای (WEENAP) نموده تا به شکل استندرد، بخش‌های اساسی را در عرض چهار سال اصلاح و تقویت نماید. همچنان امضای موافقت نامه با اداره مرکزی احصاییه CSO جهت مدیریت معلومات و تجزیه و تحلیل آن؛ سطح کیفیت، تطبیق و اجرای پالیسی ملی اجتماعی را بالا می‌برد. از سوی دیگر، اقتصادی تمام می‌شود و کارمندان تخنیکي اداره مرکزی احصاییه می‌توانند مسوولیت نظارت، مرور و ارزیابی پالیسی اجتماعی را به عهده گیرند و در این بخش با وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین همکاری نمایند.

از سوی دیگر؛ هماهنگی درست، زمینه را برای تطبیق همه جانبه پالیسی اجتماعی در کشور فراهم می‌سازد. هرچند، افشاری که هدف قرار داده می‌شوند و نیز مسایل مربوط به آن‌ها مختلف است؛ ولی تطبیق پالیسی اجتماعی مشروط به همکاری نهادهایی؛ چون: میثاق شهروندی، اداره مستقل ارگان‌های محل، وزارت فواید عامه، وزارت احیا و انکشاف دهات، وزارت زراعت، آبیاری و مالداری، وزارت معارف، وزارت مخابرات، وزارت امور خارجه، وزارت امور زنان، وزارت امور سرحدات و قبایل، وزارت شهر سازی و مسکن، ریاست عمومی کوچی‌ها، اداره حوادث طبیعی، وزارت مالیه و کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی، نهاد های مختلف سازمان ملل متحد، دوتر ها و سایر نهادهای غیردولتی می‌باشد.

تیم رهبری نظارت از تطبیق و اجرای پالیسی ملی اجتماعی وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین باید یک پلان مفصل را آماده سازد.

## ۵،۲ بودجه تخمینی

تیم نظارت از تطبیق و اجرای پالیسی ملی اجتماعی باید نخست بودجه تخمینی را منحیث بخشی از انکشاف پلان اقدام عملی خویش آماده سازند. پالیسی ملی اجتماعی، شامل پلان بودجوی شده و هزینه‌های اضافی آن، احتمالاً فراتر از توان مالی جوانب ذیدخل خواهد بود و شامل موارد زیر می‌شود:

### ۱،۲،۵- مصارف تیم رهبری تطبیق و اجرای پالیسی ملی اجتماعی

- بودجه عادی چهار ساله تیم رهبری پالیسی ملی اجتماعی و مصارف ظرفیت سازی؛
- برنامه مالی اطفال: حفاظت از اطفال از اول تا آخر برنامه، حمایت تخنیکي از برنامه انکشافی چهارساله، ایجاد پلان عملی و مسایل مربوط به آن و سایر مصارف اضافی؛

<sup>۶۶</sup> این موضوع در معلومات فعلی اداره مرکزی احصاییه افغانستان بیان شده است و معلومات متذکره به شکل ساده ارائه گردیده تا برای همه عام فهم و قابل درک باشد و شاخص‌های آن طوری بیان گردیده که جوانب ذیدخل به آن موافق باشند و اساساً یک تصویر ملی ایجاد نماید، سپس در سطح ولایات تطبیق می‌گردد (سروی دیموگرافی صحت افغانستان در این باره معلومات کافی ارائه نماید) و سرانجام یک وسیله خیلی ساده برای محلات و برنامه‌های میثاق شهروندی ایجاد گردد تا طرح و برنامه خویش را ترسیم نمایند و سالانه پیشرفت‌های خویش را تازه و آپدیت نمایند و به ویژه برای برنامه‌های اطفال.

<sup>۶۷</sup> براساس تجربه سازمان بین المللی کار، انکشاف توانایی و قابلیت مورد نیاز نهادها و ادارات جهت مدیریت و تنظیم رسمی سیستم تأمینات اجتماعی؛ نیاز به چندین سال و حتی بعضاً نیاز به دهه ها دارد. کشور کمبودی: تأمینات اجتماعی برای اقتصاد رسمی: دورنما و چالش‌های پیش رو. «پروژه‌های اتحادیه اروپا و سازمان بین المللی کار» به خاطر بهبود مصونیت اجتماعی و ترویج اشتغال و استخدام. جنیوا- سال ۲۰۱۲.

- بودجه استراتژی ملی ارتباطات: حمایت تخنیکي از انكشاف برنامه سه ساله و پلان عملی، مصارف جدید حين تطبيق پالیسی و مصارف سكتور جدید؛
- بودجه شاخص زندگی بهتر: نسخه‌هایی از شاخص زندگی بهتر در سطح ملی، ولایات و محلات (زندگی بهتر برای همه، زندگی بهتر برای اطفال) مصارف تخنیکي جهت انكشاف این برنامه و هزینه ظرفیت‌سازی جوانب ذیدخل در سطح ولایات و محلات.

## ۵,۲,۲- مصارف مربوط به آوردن اصلاحات در وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین/ مصارف کار روی اقدامات میان مدت پالیسی ملی اجتماعی

اصلاحات وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین سه سال را در بر می‌گیرد و این موضوع در بودجه عادی پیش بینی شده‌است. مصارف اضافی عبارت اند از:

- دیدگاه‌های فنی و مسلکی مدیریت تغییر، هزینه‌های طی مراحل و ظرفیت سازی، از تشکیل جدید استفاده می‌شود.
- اصلاح برنامه مساعدت‌های نقدی شهدا و معلولین.
- مرور و ارزیابی بیمه صحتی.
- تسریع و انكشاف برنامه‌های آموزشی کارکنان خدمات مراقبت‌های اجتماعی.
- ارزیابی حالت معلولین و تحقیق روی حمایت و کمک غیرنقدی به سربازان معلول و حمایت و کمک به زخمیان ملکی.
- ارزیابی و اصلاح پرورشگاه‌ها.
- ارزیابی و اصلاح کودکان‌ها.
- ارزیابی ظرفیت کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی و حمایت از افراد و خانواده‌های فقیر.
- ایجاد رهنمودها و کارشیوه‌ها (طرزالعمل‌ها) برای کارفرما و کارکن و حمایت‌های تخنیکي جهت تصویب و انفاذ قوانین مربوطه.
- حمایت تخنیکي جهت تصویب و انفاذ دستورالعمل‌ها و ماده ۱۰۲ و ۱۷۸ کنواسیون بین المللی کار.
- انكشاف مادیول‌های آموزشی مراقبت‌های اطفال از سوی انستیتوت تخنیکي و مسلکی؛ البته براساس مدل کودکان‌های وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین.

## ۵,۳ خطرات و راه‌های کاهش آن

خطر	سطح خطر	راه‌های کاهش آن
بی میلی/ مقاومت داخلی در برابر به خاطر تغییر.	متوسط و بلند	رهبری توانمند، مشارکت کارکنان، بحث روی هدف و مزایای آن؛ ظرفیت سازی به اساس مطالب مربوط به پالیسی؛ آبدیت منظم/ مرور مشترک پیشرفت‌ها.
مقاومت‌های بیرونی در برابر پالیسی اجتماعی.	متوسط	حمایت قاطع از سوی حکومت وحدت ملی؛ بحث روی هدف و مزایای پالیسی اجتماعی هماهنگی فنی و مسلکی؛ تصمیم‌گیری همه جانبه؛ ظرفیت‌سازی به اساس مطالب مربوط به پالیسی.
مشکلات و موانع بودجوی.	پایین	استفاده درست بودجه؛ آماده سازی بودجه براساس صلاح دید دونه‌ها تا از این طریق حمایت ایشان

را به دست بیاوریم.		
باید برنامه‌های مشخصی با موعد اجرا آماده شود؛ بحث و تفهیم منظم روی پیشرفت‌ها، مؤقتیت‌ها و دست آوردهای شرکا.	متوسط	همکاری/ و از بین بردن مقاومت‌ها به مرور زمان

## ۶: نتیجه گیری

- این پالیسی، به شواهد و دلایلی پرداخته‌است که از دو فرضیه زیر پشتیبانی می‌نماید:  
(i) مصالح و منافع و تدابیر فعلی در چارچوب یک پالیسی ملی اجتماعی در آمده که اساس و تهداب یک سیستم تأمینات اجتماعی را تشکیل می‌دهد. (ii) ایجاد نهاد واحد نظارتی جهت حصول اطمینان از تطبیق و اجرای کامل پالیسی ملی اجتماعی.
- این پالیسی ملی اجتماعی، به شکل مفصل با دلایل و توجهات معقول تدوین گردیده و نیز سایر روش‌ها و شیوه‌ها را در (ضمایم ۱ تا ۵) پیشنهاد و سفارش نموده‌است. همچنان خلاصه‌ای از عناصر کلیدی پالیسی هذا در بخش آغازین این متن بحث شد.
- پالیسی ملی اجتماعی هذا به شکل استراتژی ملی مصونیت اجتماعی در می‌آید.

## ضمایم

۱. هدف و اصول اساسی پالیسی ملی اجتماعی؛
۲. مأخذ، منابع و مراجعی که با ایشان مشوره صورت گرفته‌است؛
۳. نگاهی به دسترسی به خدمات اجتماعی اولیه و مسایل اجتماعی و بودجه سال ۱۳۹۶ و وزارت مالیه؛
۴. مسایل اصلی مربوط به اطفال: از رحم مادر تا بزرگ شدن؛
۵. پایداری چارچوب پالیسی اجتماعی.